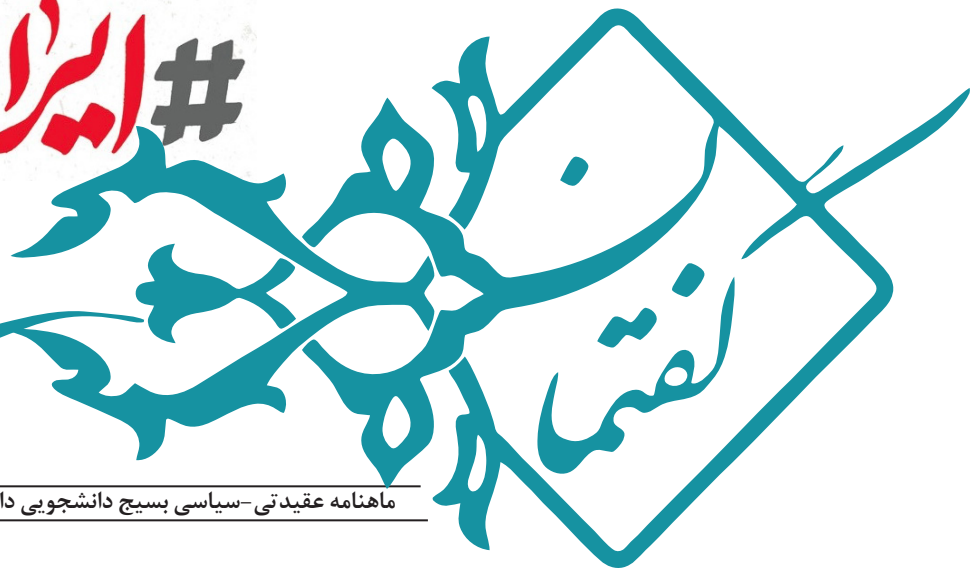




#ایران قوی



ماهنامه عقیدتی-سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، سال سوم، شماره هشتم، شماره مجوز: ۹۹۸۲۱، آذر ماه ۱۳۹۹

GogtemanMagFerdowsiUniversityOfMashhad

حقوق بین الملل و ناتوانی این دست های سیمانی!!

۵-۱۰

پاشا در سیمانی

سه حادثه سرنوشت ساز

نگاهی به حوادث ۱۳
آبان در سه مقطع
تاریخی

۱۱

نشانگان افول

یادداشتی پیرامون
جایگاه فعلی ایالات
متحده آمریکا در نظام
سیاسی جهانی، پسا
عین الاسد

۱

امید به آمریکا با تدبیر مذاکره

پس از «تقریباً هیچ»
آقایان هنوز هم صدای
کوبیدن بر طبل مذاکره
شنیده می شود

۲

شفافیت لطف یا وظیفه

... به جایی رسیده ایم
که برای شفافیت
سلیقه‌ای شان باید
منت هم بکشیم ...

۱۵



نشانگان افول

محسن یوسفی

علوم تربیتی ۹۸

نظام تک قطبی ایالات متحده در حال افول است و کاملاً آشکار است که آن قدرت و تسلط پس از فروپاشی شوروی را ندارد. این بحثی منحصر به انقلاب اسلامی نیست بلکه از همان دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی در محافل علمی بررسی و پرداخت می‌شود. آمریکایی که پس از افول یا به سرنوشت شوروی دچار می‌شود و یا راه انگلستان را در پیش خواهد داشت. افول نیز دفعتاً رخ نمی‌دهد و پرواضح است که در مرحله گذار می‌باشد. به سناریوهای متعددی که امکان آن برای آینده چینش بازیگران جهانی محقق می‌شود فعلاً کاری نداریم. اما نکته حائز اهمیت، حرص بالای طرفداران مذاکره می‌باشد. عجله‌ای بی‌مورد در مذاکره با قدرتی که از آن تصویری موهوم بیشتر نمانده، باعث شگفتی است. و خوب است بدانند که چه فضا را در ایران به نفع ایالات متحده برگردانند و چه ناکام بمانند، آمریکایی‌شان افول کردنی است. چه بهتر که کمی آینده‌نگر باشند و در مسیل منزل نگرینند.

فرماندهی آمریکا از پاسخ دادن به سیلی ایران خودداری کنند. شکسته شدن خط قرمزها و ابتهت ایالات متحده در برابر تمام دنیا یکی دیگر از پیامدهای حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه نظامی، اطلاعاتی و جاسوسی عین الأسد می‌باشد. این مهر تأییدی بر ابتکار عمل و چینش ایران در جریان و محورهای قدرت در منطقه است. آمریکا مدت‌هاست که شکست ناپذیر نیست. در جنگ نمادها، آنها نماد جبهه مقاومت را هدف گرفتند و ما نماد حضورشان در منطقه را زدیم. او برای سرکوب ما و ما برای کوتاه کردن دستش از منطقه. لذا صحبت از انتقام سخت، به عقب راندن ایالات متحده به سمت مرزهای سرزمینی خودش است. منطقه‌ای که زمانی ایران ژاندارم آمریکا در آن بود حال از سوی ایران اسلامی علیه نفوذ بیگانه، می‌شورد. از سایر بازتاب‌های این اقدام، گرایش مجدد و برنامه‌ریزی شده ایالات متحده به سمت مذاکره و پیشروی دیپلماسی است.

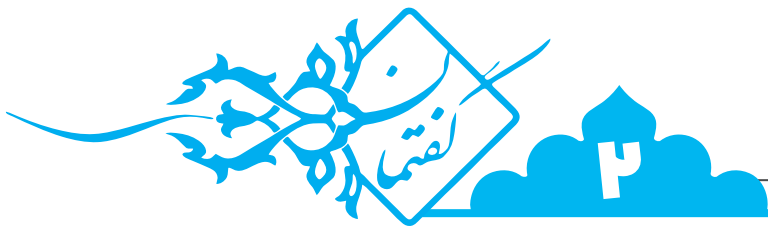
هشتم ژانویه ۲۰۲۰ م. در عراق عرب، پایگاه نظامی بیگانه با عراق و منطقه به وقوع پیوست که تمام معادلات دنیای آن روز را محکوم به تغییر و چرخش به سمت جمهوری اسلامی ایران کرد.

حمله موشکی جمهوری اسلامی به عین الأسد

گاهی به پایگاهی یاد می‌شود جنگ‌زده، با ۱۰۹ ضربه مغزی. و گاهی از آن به قلب فرماندهی ایالات متحده در جنوب غربی آسیا نام می‌برند. هر آنچه که هست، پیامدهای این واقعه به حدی بازتاب پیدا کرد که غیرقابل تحریف و انکار شده است؛ سال ۲۰۱۷، ۲۸۷ خودکشی، ارتش ایالات متحده سال ۲۰۱۹، ۴۹۸ خودکشی، ارتش ایالات متحده سال ۲۰۲۰، بالای ۵۰۰ خودکشی، ارتش ایالات متحده

یکی از مهمترین نتایج پاسخ ایران به آمریکا، شکست قدرت و استکبار آمریکا بود که موجب شد تا مقامات کاخ سفید در محاسبات خود درباره معیارهای معادلات سیاسی در منطقه بر واقعیات میدان نظامی تجدید نظر کرده و ترامپ و ارکان





امید به آمریکا

دلار را ۸ برابر کردند
هنوز هم گرای آمریکا
میدهند !!!

با تدبیر مذاکره

رضاعاقتی

دانش آموخته مکانیک

چند صباحی است که خبرهای جسته و گریخته از ارسال پیام دولت ایران به بایدن برای برقراری روابط دوطرفه شنیده می‌شود. یکی‌شان برای نمونه خبر پیام دادن بواسطه عراقچی به بایدن بود. صرف‌نظر از دروغ یا راست بودن اخبار بر همه مبرهن و آشکار شده که دولت محترم به دنبال مذاکره مجدد با آمریکا می‌باشد. و با وجود فضای عمومی جامعه ناشی از افتضاحات پیش آمده در مذاکرات قبلی، در اندیشه بازگشت آمریکا به همان توافق برجام است. در این میان رسانه‌های همسو با دولت آنچنان بر طبل شادانه می‌کوبند (که بایدن پیروز انتخابات شده) که گویا بایدن قرار است مشکلات مدیریتی کشور را حل کند. مشکل نهادهای دامی را اصلاح کرده و قیمت گوشت را پایین بیاورد. گوجه فرنگی وارد کند و گوجه ۲۰ هزار تومانی بازار را جمع کند. زعفران‌هایی که روی دست کشاورزان مانده را خریداری و صادر کند. جلوی خودسوزی امثال مادر هرمزگانی را بگیرد. پراید ۲۰ میلیون تومانی به بازار بیاورد. کرونا را کنترل کند. گمرک را سامان دهد و حتی بدهی ویلموتس را هم پرداخت کند!!!

چطور می‌شود چند ماه مانده به انتخابات آمریکا قیمت دلار ۲ برابر بشود و تمام مسائل اقتصادی مملکت را گره بزیم به تحریم و نرخ دلار؟! از پیاز گرفته تا لبنیات به بهانه رشد مصنوعی دلار گران شوند و نظارت بر قیمت‌ها را بی‌سامان رها کنیم، تا به مردم تلقین کنیم اگر بایدن بیاید قیمت دلار کاهش می‌یابد و مشکلات ما که گردن ترامپ لعنتی بود حل می‌شود و هیأت محترمه دولت هم آمده‌اند یک موز بردارند!

آقایان! رهبر انقلاب در ماه‌های اخیر چندبار فرمودند مشکلات مملکت ما داخل همین کشور حل می‌شود. تا این حد خودتان را بی‌مقدار و

مردم را تحقیر نکنید. اگر یکبار اشتباه کردید، دوباره در چاه آمریکا نیافتید. هنوز یکسال نشده‌است که دولت ایالات متحده، بهترین سردار ایران - حاج قاسم سلیمانی - را ترور کرده‌است. و نه تنها عذرخواهی نکرده بلکه با وقاحت تمام این سردار پاک را ترور است خطاب می‌کند. البته لابد می‌فرمایید آن ترامپ دیوانه این کار را کرده و ما با آن مشکل داریم. اما سخت در اشتباهید. اگر بین این دو فرد یا حزب فرق بگذارید؛ جو بایدن - نامزد دموکرات‌ها در

کدام مشکل ما در داخل حل نمی‌شود که این چنین عاطل گوشه چشمی از کدخدا هستید؟ اگر آقازاده‌هایتان را از اقتصاد مملکت جمع کنید که هر روز گندی بر این نهر روان نزنند و با وضع قوانین اشتباه یک شبه و بی‌مدیریتی‌تان هر لحظه تن مردم را از مسائلی همچون بورس، دلار و طلا نلرزانید، جوانان مملکت خودشان جور شما را خواهند کشید.

اگر از قرنطینه‌های لاکچری‌تان لحظه‌ای بیرون بیایید و درد مردم را حتی از پشت همان شیشه سابق‌تان بنگرید، شاید وضع چندماه اخیر اینی که هست، نبود.

گمان بردید با فشار به مردم و گرانی‌های پی در پی مانند ۷ سال گذشته مردم را به نقطه جوش برسانید تا دوباره خام وعده‌های بی‌سر و تهی چون رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی‌تان گردند؟ زهی خیال و توهم! اگر شما آلزایمر دارید مردم فراموش نمی‌کنند وعده‌های دروغین زمان انتخابات را! وعده‌های دروغین قبل برجام را! وعده‌های دروغین پس از تصویب برجام را و هزاران وعده دروغ دیگر...

خواست مردم از شما این است که این چند ماه باقی مانده را به فکر مذاکره مجدد و ایجاد موانع جدید برای رشد اقتصاد نباشید که دوباره مشکل معیشتی‌شان گره بخورد به توافق جدید. و اگر دوباره آمریکا به تعهداتش عمل نکرد، وضع چند برابر از قبل مذاکره بدتر گردد. تصمیمات بدون دلیل محکم و پشتوانه فکری برای مردم، آن هم یک شبه که از مصاحبه یک وزیر تکذیب و از توثیق وزیر دیگر تأیید شود، آفت وحدت عملکرد شما و دامن زدن به آشفتگی مردم است.

رأی جمع‌کن‌های دولت هم خودشان را با توجیهات کودکانه و نخ نما (که آقای روحانی اصلاح‌طلب نبوده، نیست و نخواهد بود) دستاویز خنده دیگران نکنند که آه ملت تنهایشان خواهد گذاشت.

انتخابات آمریکا - در شب ترور حاج قاسم سلیمانی با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: «هیچ آمریکایی در مرگ قاسم سلیمانی عزاداری نمی‌کند. او مستحق بود در برابر جنایاتش علیه نیروهای آمریکایی و هزاران بی‌گناه منطقه در برابر قانون بایستد.» چگونه به کشور و فردی که این چنین استقلال مملکت‌مان را به سخره می‌گیرند و دادگاه نرفته، حکم ترور فرمانده سپاه قدس ما را صادر می‌کنند و امنیت کشور و منطقه را به خطر می‌اندازند اعتماد می‌کنید؟ مشخص است مشکل آمریکا با ما بر سر اصولگرا یا اصلاح‌طلب نیست. که بر سر جمهوری اسلامی و مردم ایران است.



تبریک روز رفتن

این چرخ، پلی از جنس اتحاد بسازم، با نگاهی نو به آن روز بنگرم و از او بپرسم، چه شد که رفتی و روز رفتنت را به من تبریک می‌گویند؟ به راستی این دوام که بر جریده‌ی عالم ثبت شده است، از برای چیست؟ ● ● ● ● ● ● ● ● ● ● ● ● ● ● ● ●

شهید دکتر مصطفی چمران، که از شاهدان واقعه ۱۶ آذر ۳۲ است می‌گوید: «از روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ تظاهراتی که در گوشه و کنار به وقوع می‌پیوست، وسعت گرفت و در بازار و دانشگاه عده ای دستگیر شدند. روز ۱۵ آذر مجدداً تظاهرات بی‌سابقه‌ای در دانشگاه و بازار صورت گرفت. در دانشکده‌های پزشکی، حقوق و علوم و دندانپزشکی تظاهرات موضعی بود و جلوی هر دانشکده مستقلاً انجام می‌گرفت که سرانجام با یورش سربازان خاتمه می‌یافت و عده‌ای دستگیر می‌شدند. کمی قبل، در تاریخ ۲۴ آبان، اعلام شده بود که نیکسون، معاون رئیس جمهور آمریکا، از طرف آیزنهاور به ایران می‌آید. نیکسون به ایران می‌آمد تا نتایج «پیروزی سیاسی امیدبخشی که در ایران نصیب قوای طرفدار تثبیت اوضاع و قوای آزادی شده است» را ببیند. دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که هنگام ورود نیکسون، ضمن دموستراسیون عظیمی، نفرت و انزجار خود را نسبت به دستگاه کودتا و طرفداری خود را از دکتر مصدق نشان دهند. روز ۱۵ آذر یکی از دریانان دانشگاه شنیده بود که تلفنی به یکی از افسران گارد دانشگاه دستور می‌رسد که «باید دانشجویی را شقه کرد و جلوی در بزرگ دانشگاه آویخت که عبرت همه شود و هنگام ورود نیکسون صداها خفه گردد و جنبنده‌ای نجنبند...»

همیشه به خاطر بالا رفتن از هشتاد و هشت پله و رسیدن به طبقه پنجم، سخت دلگیر می‌شدم. اما این بار، متفاوت بود و قطعاً این پله‌ها هیچ اثری در تغییر حال خوب من نداشتند... خوب که به شرایط الآن فکر می‌کنم و با حال و هوای آن روزها مقایسه می‌کنم، بیشتر دلم می‌گیرد. اگر سال گذشته، تعدادی از افراد، این مناسبت را فراموش کرده بودند، گویی امسال همگان دچار فراموشی شده‌اند. پارسال در دانشگاه، غوغای این روز، باعث شده بود که لبخند روی لب‌ها جا خوش کند ولی امسال، تمام هیاهوی درس و دانشگاه، رنگ خاموشی گرفته است و همه‌ی دغدغه‌ها در قطع و وصلی کلاس‌های مجازی خلاصه می‌شود. در تنهایی خود، به خاطرات پناه می‌آورم و چقدر این مرور، ذهن مرا به فکر و می‌دارد. چه شد که از روز دانشجویان سال ۱۳۳۲ تا روز دانشجویان سال ۱۳۹۹ تا این حد دچار فراموشی گشتیم؟ به یقین امروز اگر کسی این مناسبت را به خاطر نمی‌آورد و یا آن را به گونه‌ای گرمی می‌دارد که دانشجوی در حاشیه‌ی امر است، باید این بی‌تفاوتی را در اعماق فرسایش ذهن انسان‌ها جست و جو کرد. گویی سیلاب حوادث، از حافظه‌ی خاکی انسان‌ها این مسئله را که سابقه‌ی این جایگاه حساس، در حفظ این آب و خاک چقدر عظیم است، شسته و با خود به اقیانوس عدم برده است. و دیگر کسی نمی‌داند که چرا روز شانزدهم آذرماه، روز دانشجو نامیده شده است؟ شاید لازم باشد که در دنیای خیال خود، سری به خاطرات دانشجوی آن زمان بزنی و میان حوادث

نمیدانم تو چگونه داستان خود را آغاز می‌کنی اما، داستان من از آنجا شروع می‌شود که در پس روزمرگی زندگانی، فاصله گرفتن از محیط دانشگاهی و شور و اشتیاق حضور در برنامه‌های گوناگون آن و اضطراب و ناامیدی که این روزها وجودم را فرا گرفته است، نفس عمیقی می‌کشم و به دنیای خیالات خود قدم می‌گذارم. شاید، این بیستمین دم عمیقی است که امروز گرفته‌ام و بخش ناخودآگاه مغز من سعی دارد این گونه سینه تنگم را فراخ و قلب پردردم را آرام کند. گله و شکایت‌هایم زیاد شده‌اند. با مادرم بر سر مسئله‌ای کوچک بحث کردم. سعی می‌کنم به اعصاب خود مسلط باشم ولی بی‌فایده است. قبل از آنکه فکر کنم واکنش نشان می‌دهم و خیلی زود پشیمان می‌شوم، اما سودی ندارد. می‌دانم که همه این جریان‌ها غم انگیز، زیر سر این دل تنگ است و او هر لحظه بهانه‌ای تازه برایم می‌تراشد. با بی‌رغبتی، سری به مجازستان می‌زنم. کانال‌های دانشگاه را که فقط چند تبریک خشک و خالی گفته و نهایتاً مصاحبه‌ای با دانشجویان قدیم‌الورود انجام داده‌اند، زیر و رو می‌کنم. دلم بیش از پیش گرفته است. گویی همه چیز دست به دست هم داده‌اند که مرا از لحظه جدا کنند و به سوی لحظات خاطره‌انگیز گذشته بکشانند. سال گذشته که دانشجوی نورورد بودم، پیش خود می‌گفتم لابد به مناسبت روز دانشجو، ما را بیشتر تحویل می‌گیرند، اما در دانشکده هیچ خبری نبود! دریغ از یک تبریک ساده! کلاس‌های آن روز با بی‌میلی زیاد من به مباحث، گذشت و هنگام غروب به سمت خوابگاه راهی شدم. داخل اتوبوس، بعضی از دانشجویان گلدان‌های کوچکی در دست داشتند. انواعی از کاکتوس‌ها، با گلدان‌های رنگی به نظرم خیلی جذاب آمد. متوجه شدم که بعضی دانشکده‌ها، آن‌ها را به دانشجویان خود هدیه داده‌اند. چه کار کشنگی کرده بودند. خوب به خاطر دارم که آن شب، شام رزرو نکرده بودم. در سلف به همه آب انار داده بودند و باز هم من محروم بودم. به خوابگاه که رسیدم، دم در ورودی، شیرینی دانمارکی و چند شاخه رز قرمز چیده شده بود و یک کارت تبریک خیلی شیک که روی آن نوشته بودند: «روزت مبارک دانشجوی عزیز!» به محض خواندن این جمله خون در رگ‌هایم جریان گرفت و حس غرور و عزت نفس دانشجو بودن مرا برای لحظه‌ای سرخوش کرد. خیلی ذوق کردم و دلم می‌خواست کسانی که آن رزهای زیبا را آنجا چیده بودند، در آغوش بگیرم. با خوشحالی به سمت اتاق به راه افتادم.





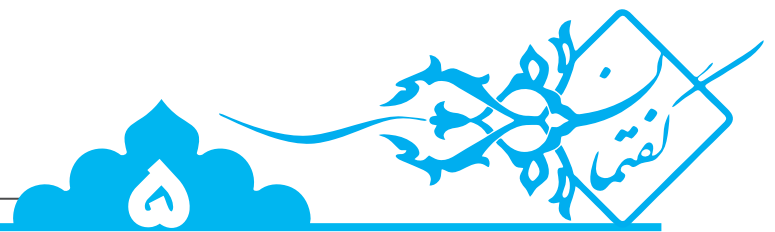
به جای‌شان برگردانم. در همین حین، ناخودآگاه کلمه‌ی دانشجوی را تکرار می‌کنم؛ نقشی در اجتماع، که مانند باقی نقش‌ها، موضوعیت ندارد، بلکه طریقتی دارد. طریقتی برای موضوعی دیگر... به راستی که چه شأن‌الایی است. چرا که اثر آن در اجتماع بسیار عظیم است. این‌گونه رفتن، برای رهروان تبریک ویژه می‌طلبید. تبریکی که باید این تأثیرگذاری را یادآوری کند. به دغدغه‌های خود و اطرافیانم نگاهی می‌اندازم و با خود می‌گویم: «اگر ما دانشجویان که چنین نقش مهمی داریم در قبال حوادثی که در سطح اجتماع رخ می‌دهد بی‌تفاوت باشیم، این بی‌تفاوتی نه تنها سودی ندارد که می‌تواند ضربه بزرگی باشد. این تعبیر که دانشجوی مؤذن جامعه است، تعبیر به جایی است. و همانطور که با خواب ماندن مؤذن نماز امتی قضا می‌شود، با غفلت و بی‌تفاوتی دانشجوی جامعه دچار زلزله می‌شود. می‌دانم که در جایگاه مهمی هستم، چرا که باید از این گذرگاه حساس به سلامت عبور کنم تا در جایگاه حساس بعدی هم سلامت باشم و سالم عمل کنم.» مرور تاریخی وقایع سال ۱۳۳۲، مرا هشیارتر کرد. امیدوارم که گرامی‌داشت این روز هیچ‌گاه از یادها فراموش نشود و برای دانشجویان فقط در سطح اسم دانشجوی و برای باقی افراد، فقط در سطح یک تبریک خالی نماند. دلم می‌خواهد که هرچه زودتر به دانشگاه برگردم و خاطرات گذشته دوباره زنده شوند.

تگه کاغذ کوچکی برمی‌دارم و با خودکار خود روی آن مینویسم: «دانشجوی عزیز! روزت مبارک»

ولی هنوز نیمی از دانشجویان در حال خروج بودند که ناگاه آن سربازان به همراه عده زیادی سرباز عادی به دانشکده فنی حمله کردند. اکثر دانشجویان به ناچار پا به فرار گذاردند تا از درهای جنوبی و غربی دانشکده خارج شوند. در این میان بغض یکی از دانشجویان ترکید. او که مرگ را به چشم می‌دید و خود را کشته می‌دانست دیگر نتوانست این همه فشار درونی را تحمل کند و آتش از سینه پرسوز و گدازش به شکل شعارهای کوتاه بیرون ریخت؛ «دست نظامیان از دانشکده کوتاه». هنوز صدای او خاموش نشده بود که رگبار گلوله باریدن گرفت و چون دانشجویان فرصت فرار نداشتند، به کلی غافلگیر شدند و در همان لحظه اول عده زیادی هدف گلوله قرار گرفتند. لحظات موحشی بود. دانشجویان یکی پس از دیگری به زمین می‌افتادند. به خصوص که بین محوطه مرکزی دانشکده فنی و قسمت‌های جنوبی سه پله وجود داشت و هنگام عقب‌نشینی عده زیادی از دانشجویان روی این پله‌ها افتادند و نتوانستند خود را نجات دهند. مصطفی بزرگ‌نیا به ضرب سه گلوله از پای در آمد. شریعت رضوی که ابتدا هدف سرنیزه قرار گرفته و به سختی مجروح شده بود، دوباره هدف گلوله قرار گرفت. ناصر قندچی حتی یک قدم هم به عقب برنداشته و در جای اولیه خود ایستاده بود. یکی از سربازان دسته جانباز با رگبار مسلسل سینه او را شکافت و او را شهید کرد. ساعت از ۱۰ شب گذشته است. سعی می‌کنم که قفسه‌های ذهنم را مرتب کنم و آن دسته از کتاب‌هایی را که برای تداعی خاطرات برداشته بودم،

این بود که به خاطر انتقام از دانشجویان و بهانه تظاهرات بر علیه تجدید رابطه با انگلستان و برای جلوگیری از تظاهرات در مقابل نیکسون، جنایت بزرگ هیأت حاکمه ایران در صبح روز دوشنبه، شانزده آذرماه ۱۳۳۲، در صحن مقدس دانشگاه به وقوع پیوست. صبح شانزدهم آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق‌العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شده و وقوع حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردند. نقشه پلیس هیأت حاکمه بر همه واضح بود و دانشجویان حتی‌الامکان سعی می‌کردند که به هیچ وجه بهانه‌ای به دست بهانه‌جویان ندهند. از این رو دانشجویان با کمال خونسردی و احتیاط به کلاس‌ها رفتند و سربازان با راهنمایی عده‌ای کارآگاه به راه افتادند. ساعت اول بدون حادثه مهمی گذشت و چون بهانه‌ای به دست آنان نیامد به داخل دانشکده‌ها هجوم آوردند. از پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم عده زیادی را دستگیر کردند. بین دستگیرشدگان چند استاد نیز دیده می‌شد که به جای دانشجوی مورد حمله قرار گرفته و پس از مضروب شدن به داخل کامیون کشیده شدند. حدود ساعت ۱۰ صبح هنگامی که دانشجویان در کلاس‌ها بودند، چندین نفر از سربازان دسته جانباز به معیت عده زیادی سرباز معمولی رهسپار دانشکده فنی شدند. ما در کلاس دوم دانشکده فنی که در حدود ۱۶۰ دانشجو داشت، مشغول درس بودیم. آقای مهندس شمس استاد نقشه‌برداری تدریس می‌کرد. صدای چکمه سربازان از راهرو پشت در به گوش می‌رسید. اضطراب و ناراحتی بر همه مستولی شده بود و کسی به درس توجه نمی‌کرد. در این هنگام پیشخدمت دانشکده مخفیانه وارد کلاس شد و به دانشجویان گفت: «بسیار مواظب باشید. چون سربازان می‌خواهند به کلاس حمله کنند اگر اعلامیه یا روزنامه‌ای دارید از خود دور کنید.» وخامت اوضاع به حد اعلا رسیده بود. شلوغی بیرون کلاس و صدای شدید چکمه‌های سربازان از نزدیک شدن حادثه‌ای حکایت می‌کرد تا بالأخره در کلاس به شدت به هم خورد و پنج سرباز «جانباز» با مسلسل سبک وارد کلاس شدند. یکی از آن‌ها لوله مسلسل را به طرف شاگردان عقب کلاس گرفته آماده تیراندازی شد و دیگری به همین نحو مأمور قسمت جلوی کلاس گردید. رییس و معاون دانشکده فنی که با تمام کوشش و فداکاری خود قادر به جلوگیری از ورود سربازان نشده و ناظر این همه وحشی‌گری و هتک حرمت کلاس و استاد شده بودند، به ناچار اعلام اعتصاب کردند و گفتند تا هنگامی که دست نظامیان از دانشگاه کوتاه نشود، دانشکده فنی به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. و چون احتمال وقوع حوادث وخیم‌تری می‌رفت، لذا برای حفظ جان دانشجویان دانشکده را تعطیل کردند و به آنها دستور دادند به خانه‌های خود بروند و تا اطلاع ثانوی در خانه بمانند. دانشجویان نیز به پیروی از تصمیم اولیای دانشکده محوطه دانشکده را ترک می‌کردند





حقوق بین الملل و ناتوانی این دست های سیمانی!!

سجاد محنتی

حقوق ۹۸

کمتر از سی روز به سالگرد شهادت سردار سرفراز ایران اسلامی، حاج قاسم سلیمانی مانده است. از همان موقع تا به حال شاید یکی از موضوعاتی که گاهی به ذهن می‌رسد و در برخی محافل به آن اشاره می‌شود، طرح شکایت از آمریکا یا شخص ترامپ در مجامع و نهادهای بین‌المللی است. در جهت پاسخ دادن به سؤالات و ابهاماتی که در این باره وجود داشت، گفت‌وگویی داشتیم با خانم کتایون اشرفی دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی تهران که مشروح آن را در این مطلب مشاهده می‌کنید. امید است تا از این طریق علاوه بر دادن اطلاعات کامل در رابطه با موضوع اصلی، آگاهی و شناخت اجمالی نسبت به نظام حقوق بین‌الملل برای خوانندگان محترم ایجاد شود.

مصونیت دولت‌ها (۱) در مقابل دادگاه‌های خارجی باعث می‌شود تا محکوم کردن آن‌ها توسط دادگاه‌های داخلی اثر حقوقی لازم را نداشته باشد، در این باره بیشتر توضیح دهید.

که قرار است در دیوان محاکمه شوند باید ابتدا در کشور آن‌ها دعوایی اقامه شود و حق جبرانی به آنها داده شود. اما اگر این کار را نکردند بعد نوبت به دیوان می‌رسد. مثلاً در مورد قتل سردار سلیمانی باید سران ایران دعوایی را در دادگاه‌های کیفری آمریکا علیه ترامپ و سایر مسببین قتل ایشان اقامه کنند. بعد اگر در آنجا به نتیجه نرسید، صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری پیش می‌آید که ایران آن را قبول نکرده و به رسمیت نشناخته است. در نهایت این نکته هم قابل ذکر است که قتل سردار سلیمانی، ترور هدفمند ناقض حق حیات است که شامل اساس‌نامه دیوان هم نمی‌شود. بلکه دیوان تنها به جنایات علیه بشریت می‌پردازد. هر جرم برای این که قابلیت طرح در دیوان را داشته باشد باید یک سری عناصری را داشته باشد. مثلاً نسل‌زدایی یک ویژگی مشخص دارد و آن قصد خاص است. همین‌طور جلوگیری از ازدیاد نسل یک قومیت خاص با قصد نابودسازی آن قوم یا پیروان یک مذهب یا در مورد جنایت علیه بشریت باید یک حمله گسترده و سیستماتیک علیه غیرنظامیان یک سرزمین اتفاق بیفتد. که رفتارهای آن ذیل ماده ۷ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری مشخص است. در حالی که سردار سلیمانی مقام نظامی جمهوری اسلامی و در حال انجام مأموریت بوده است. آخرین مورد مورد بررسی توسط **ICC** جرایم جنگی است که باید در موقعیت مخاصمه مسلحانه بین‌المللی یا مخاصمه مسلحانه داخلی اتفاق بیفتد. حادثه قتل سردار سلیمانی شامل این مورد هم نمی‌شود.

ما اصلی در حقوق بین‌الملل داریم به نام اصل تساوی دولت‌ها؛ نظام قضایی هر کشور جزو بدنه آن محسوب می‌شود در نتیجه بر اساس اصل مزبور نمی‌تواند یک کشور دیگر و سران آن را در دادگاه‌های داخلی محاکمه کند. همان‌طور که اشخاص نمی‌توانند بدون مراجعه به مرجع قضایی بالاتر از خودشان یکدیگر را محاکمه کنند. چون حقوق بین‌الملل تازه پا گرفته است در نظام بین‌المللی مرجعی فراتر از دولت‌ها نداریم، فقط دیوان بین‌المللی دادگستری (۲) یا **ICJ** هست که بیشتر نقش قضایی دارد و زمانی صالح به رسیدگی است که کشورها خودشان دیوان را به عنوان مرجع صالح به رسیدگی، به رسمیت بشناسند. البته یک نهاد بین‌المللی دیگر نیز برای محاکمه افراد وجود دارد موسوم به دیوان بین‌المللی کیفری (۳) یا **ICC**. ایران و آمریکا هیچ کدام صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری را به رسمیت نشناخته‌اند. اگرچه می‌توان مورد به آن ارجاع داد اما نمی‌توان گفت که صلاحیتش قطعی است و بستگی به تصمیم قضات دیوان دارد. برای مثال اخیراً ونزوئلا یک پرونده‌ای راجع به تحریم‌های یک جانبه اقتصادی را به دیوان بین‌المللی کیفری ارائه داده که قابلیت طرح تحت عنوان جنایت علیه بشریت را دارند اما صالح بودن دیوان یادشده برای رسیدگی به نظر دادستانی بستگی دارد. به علاوه توجه داشته باشید که صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری از نوع صلاحیت تکمیلی است. یعنی افرادی

پاورقی

- در کنار تساوی دولت‌ها و مصونیت دولت‌ها بحث مصونیت سران کشورها نیز قابل بررسی است که در ادامه می‌آید.
- دیوان بین‌المللی دادگستری (International Court of Justice): نهادی بین‌المللی برای حل اختلاف دعاوی بین دولت‌ها به شرط این که کشورهای داخلی در منازعه این دادگاه را ذیل پیمان مودت یا هرگونه معاهده به عنوان داور به رسمیت بشناسند.
- دیوان بین‌المللی کیفری (International Criminal Court): مرجعی بین‌المللی برای رسیدگی به جرائم افراد یا اشخاص حقیقی از جمله نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز که در لاهه هلند به طور دائمی تشکیل شده است.

شرایط دفاع مشروع به چه شکلی است؟

همانطور که در حقوق داخلی دفاع مشروع (۴) داریم، در حقوق بین الملل هم مصادیقی شامل دفاع مشروع می‌شوند و رافع مسئولیت دولت هستند. در حقوق بین الملل لازم است که دفاع مشروع همراه با فوریت و تناسب باشد و در جهت دفاع از خود باشد (۵). نمی‌توانیم بمباران پایگاه عین‌الاسد را دفاع مشروع به حساب بیاوریم. زیرا یک هفته از شهادت سردار سلیمانی گذشته و فاقد عنصر فوریت است. از طرفی عنصر مادی جرم کاملاً به اتمام رسیده. در حالی که وقتی می‌توان به دفاع مشروع متوسل شد که جرم استمرار داشته باشد و در غیراین صورت اقدام تلافی جویانه نظامی تلقی می‌شود که مطابق منشور سازمان ملل متحد و پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در ارتباط با مسئولیت بین المللی دولت‌ها ممنوع شده است. برای توضیح بیشتر باید گفت که در حقوق بین الملل دو عنوان متفاوت در این باره وجود دارد: اقدام متقابل و اقدام تلافی جویانه؛

اقدام متقابل اعم از عمل تلافی جویانه است. مثلاً کشوری معاهده‌ای در مقابل کشور دیگر را نقض می‌کند. در پاسخ، کشور روبه رو نیز به تعهداتش در ذیل معاهده عمل نمی‌کند، این اقدام متقابل است. البته در اینجا حتماً باید شرایطی رعایت شود. اول اینکه میان نقض صورت گرفته و پاسخی که داده می‌شود تناسب وجود داشته باشد. همچنین پاسخی که داده می‌شود باید مشروعیت ذاتی داشته باشد و در حقوق بین الملل ممنوع نباشد. مثلاً در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو هرگونه توسل به اقدام تلافی جویانه ممنوع شده است. آخرین شرط این است که توسل به راه‌های مسالمت‌آمیز قبلی صورت گرفته باشد. یعنی تمام راه‌های ممکن امتحان شده و ناکارآمد شناسایی شده باشند تا بتوان به اقدام متقابل متوسل شد. هرگونه اقدام متقابلی که فاقد این شرایط باشد عمل تلافی جویانه یا اقدام خصمانه به شمار می‌رود که بمباران پایگاه عین‌الاسد هم شامل همین مورد می‌شود.

آیا ایران می‌توانست علیه آمریکا در دیوان بین المللی دادگستری دعوی اقامه کند؟

ICJ با ایران غریبه نیست و در آنجا دعوی گروگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران علیه خود ایران مطرح شده است، همچنین دعوی شرکت نفت ایران-انگلیس و قضیه مربوط به سکوی نفتی داریم. در حال حاضر دو دعوی هم علیه آمریکا توسط ایران اقامه شده است؛ یکی از آن‌ها دعوی برخی اموال معین ایران است که مربوط به بلوکه شدن اموال ایران در آمریکا و کانادا می‌شود. در اینجا به وضوح می‌توان مصونیت کشورها را مشاهده کرد. در آمریکا و کانادا دعوی‌هایی علیه ایران مطرح شده که ایران به علت حمایت از تروریسم باید خسارتی که به قربانیان تروریسم وارد کرده را باید جبران کند. برای این کار یک سری آراء را دادگاه‌های داخلی آمریکا علیه ایران و بانک مرکزی صادر می‌کند و بر این اساس اموال ایران را در کشورهای مزبور بلوکه می‌کند. ما دعوی برخی اموال را براساس عهدنامه مودت ایران و آمریکا که پیش از انقلاب تصویب شده بود، طرح کردیم که صلاحیت آن توسط دیوان قبول شد. به علاوه ما یک دعوی دیگر هم علیه آمریکا به اسم دعوی برخی

نقص‌های ادعایی عهدنامه مودت (در ارتباط با تحریم‌های یک جانبه آمریکا) پس از تصویب تحریم‌های جدید در دوره جدید توسط ترامپ، در دیوان اقامه کردیم که ایران تقاضای قرار موقت کرد و قرار مزبور صادر شد. اما رأی صلاحیتی آن هنوز صادر نشده و در حال بررسی است. این دعوی هم بر مبنای عهدنامه مودت مصوب ۱۹۵۵ م یا ۱۳۳۴ ش طرح شد. البته در شب همان روزی که ایران دعوی یادشده را مطرح کرد آمریکا از عهدنامه مودت خارج شد. در نتیجه شاید ما دیگر نتوانیم منشأ صلاحیتی دیگری را در مقابل آمریکا پیدا کنیم تا بتوان به آن استناد کرد. برای طرح هر دعوی‌ای در دیوان بین المللی دادگستری باید صلاحیت دیوان طی یک سند حقوقی معتبر (اعلامیه، معاهده و ...) توسط طرفین دعوی پذیرفته شده و به آن استناد کرد. بنابراین اگر بخواهیم در مورد قتل سردار سلیمانی هم علیه آمریکا دعوی‌ای را در این نهاد اقامه کنیم باید معاهده‌ای میان ایران و آمریکا پیدا کنیم که مطابق آن در قضیه ترور دو کشور صلاحیت دیوان را به رسمیت شناخته باشند و بعد به آن استناد کنیم.

آیا نمیتوان به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۶) استناد کرد؟

مسئله حساس بودن پرونده موردنظر است چرا که در رابطه با یک شخص است نه یک کشور.

پاورقی

(۴) در حقوق کیفری برخی از موارد موجب مجازشدن جرم می‌شوند و به نحوی از آن جرم‌زدایی می‌کنند که به آن‌ها عوامل موجهه می‌گویند؛ از جمله عوامل موجهه جرم دفاع مشروع است. به این معنا که اگر کسی در دفاع از جان، مال، عرض و ناموس خود یا دیگری، طی شرایطی، مرتکب جرمی مانند وارد کردن جراحت یا حتی قتل شود عمل او کاملاً مشروع و فاقد هرگونه جنبه کیفری خواهد بود و به اصطلاح نه تنها قبح فاعلی ندارد بلکه قبح فعلی هم نخواهد داشت. البته برخلاف حقوق بین الملل که دفاع مشروع از دولت‌ها رفع مسئولیت می‌کند، در حقوق داخلی در مورد افراد مطرح است.

(۵) ر.ک: ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و ماده ۲۱ پیش نویس کمیسیون حقوق بین الملل در ارتباط با مسئولیت بین المللی دولت‌ها (۲۰۰۱)
(۶) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی: از عهدنامه‌های سازمان ملل متحد بر پایه اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز به آن پیوسته است.

یعنی شامل میثاق بین‌المللی مدنی نمی‌شود؟ با توجه به این که مطابق میثاق‌نامه مذکور هرگونه شکنجه ممنوع است، اگر کسی در ایران مورد شکنجه قرار بگیرد قاعدتاً ذی‌نفعان دخیل در ماجرا می‌توانند علیه ایران طرح دعوی کنند. آیا در مورد قتل سردار سلیمانی که شامل سلب حق حیات و مخالف مفاد میثاق بین‌المللی مدنی است نمی‌توان دعوی علیه آمریکا طرح کرد؟

به شرطی که دیوان قبول کند می‌شود؛ علاوه بر صلاحیت، پذیرش دعوی لازم است که در واقع جنبه شکلی و اداری دارد. بعد از آن هم قابلیت استماع (۷) را داریم که مثلاً باید دعوی حقوقی باشد یا اینکه زمان اعتبار آن نگذشته باشد. به عنوان مثال در قضیه مارشال که علیه انگلیس در مورد سلاح‌های هسته‌ای طرح دعوی شده بود، دیوان اظهار داشته بود اینجا اختلاف حقوقی بین دو کشور وجود دارد. برای پذیرش دعوی باید اثبات شود که این اختلاف حقوقی بین دو کشور است نه اختلاف بین اشخاص یا برای حمایت از شخص خاص.

آیا مورد سردار سلیمانی که در واقع نوعی توسل غیرقانونی به زور علیه حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران و ناقض بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و از طرفی ترور هدفمند ناقض حق حیات است، شامل دعوی حقوقی نیست تا بر مبنای میثاق بین‌المللی مدنی توسط دیوان مورد پذیرش قرار بگیرد؟

این‌ها همه بستگی به این دارد که براساس سیاست‌های دیوان دعوی حقوقی تشخیص داده شود. این‌ها صرفاً فاکتورهایی بر روی کاغذ است و به نظر من هم خوب و شدنی است ولی تصمیم دیوان به ادعاهای طرفین و مستندات آن‌ها بستگی دارد.

مگر دیوان متعهد به اساس‌نامه یا دستورالعملی نیست تا مطابق آن عمل کند؟

واضح است که این تفسیرها ناقض اساس‌نامه هم نیست. باید ببینیم آیا ما می‌توانیم برای دفاع از یک شخص دعوی مطرح کنیم و از او دفاع دیپلماتیک کنیم یا نه؟ یکی از مسائل قابل تأمل این است که آیا امکان حمایت دیپلماتیک از شخصی که دیگر در قید حیات نیست وجود دارد یا خیر؟ در این مورد باید ببینیم در گذشته چنین چیزی در دیوان سابقه داشته است یا خیر؟

هست ولی در عمل کمی فرق می‌کند. مثلاً در پرونده مارشال، دیوان بیان داشت که موضع‌گیری‌های صورت گرفته توسط سران دو کشور یعنی جزایر مارشال و انگلیس صرفاً سیاسی هستند، نمی‌توان آن‌ها را اختلاف حقوقی در نظر گرفت و اختلاف حقوقی باید قبل از ثبت دادخواست وجود داشته باشد. در صورتی که می‌توانست به راحتی این موضوع را حل کند و چنین تفسیری از دعوی حقوقی ارائه نکند.

با توجه به نکاتی که گفتید، آیا مفاد منشور سازمان ملل متحد، میثاق‌نامه مدنی و سایر قوانین حقوق بشری که میبایست ممنوعیت سلب حق حیات هستند، ضمانت اجرایی دارند؟ اگر یک درصد ایران در پاسخ به قتل سردار سلیمانی هریک از مسببین قتل ایشان از جمله رئیس‌جمهور سابق آمریکا را ترور کند، وضعیت به چه صورتی خواهد بود؟ در مورد ضمانت اجرای قوانین حقوق بشری اشاره‌ای هم به هواپیمای مسافربری ایرانی (ایرباس ۳۰۰-A) که توسط ناو آمریکایی منهدم شد داشته باشید.

در مورد هواپیما، ایران بنابر اساس‌نامه ایکائو (سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی) در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوی کرد. که توافقی در پشت پرده بین ایران و آمریکا اتفاق افتاد. ایران خسارت گرفت و در واقع اختلاف موجود از طریق غیر از دیوان حل شد. در نتیجه دیوان دعوی را از لیست دعاوی آن زمان خارج کرد.

پاورقی

(۷) قابلیت استماع: ویژگی یک دعوی حقوقی از این نظر که قابلیت بررسی و اعتنا به آن توسط دادگاه وجود داشته باشد. به عبارتی دعوی که حداقل ادله و مستندات قانونی برای طرح در دادگاه را داشته باشد.





اگر ادامه پیدا می‌کرد چه اتفاقی می‌افتاد؟

قابل پیش‌بینی نیست و کاملاً به تصمیم قضات دیوان رویه دیوان بستگی دارد.

به نظر می‌رسد که بیشتر حالت کامن‌لا (۸) دارد، آیا همین‌طور است؟

بله نظام حقوقی سازمان ملل به نوعی کامن‌لا است.

آیا تا به حال سابقه داشته که کشوری علیه کشور دیگر بر اساس حقوق بین‌الملل اقامه دعوی کند و از این طریق شخصی را محاکمه کند؟

وقتی که می‌خواهیم علیه شخص اقامه دعوی کنیم تنها راه دیوان بین‌المللی کیفری است. که در مورد آن صحبت کردیم.

بنابراین به نظر می‌رسد این قوانین حقوق بشری در مورد فرد ضمانت اجرای خاصی ندارد، درست است؟

از یونسکو خارج شد، از کنوانسیون تغییر اقلیم پاریس مصوب ۲۰۱۵ م. خارج شد که واقعا نوعی بدعت‌گذاری در سطح بین‌الملل به شمار می‌رفت. در ادامه پاسخ به سؤالات قبلی باید بگویم که ما برای حمایت از افراد در حقوق بین‌الملل راه‌های زیادی داریم از جمله کمیته حقوق بشر که نهاد نظارتی همان میثاق حقوق مدنی سیاسی است. اما ایران را نپذیرفته چرا که مطابق مفاد آن میثاق‌نامه اولین پرونده علیه ایران طرح می‌شد. ایجاد می‌شد.

نمی‌شود گفت که ضمانت اجرا ندارد؛ نباید حقوق بین‌الملل را با حقوق داخلی مقایسه کنیم. در حالی که در حقوق بین‌الملل با اشخاص رو به رو نیستیم بلکه طرف مقابل ما کشورها هستند که هیچ مرجعی بالاتر از آن‌ها وجود ندارد. ماهیت ضمانت اجراها کاملاً متفاوت است. شاید به خاطر همین ضمانت اجراها از جمله هجمه بین‌المللی و سرزنشی که در سطح جهان به سمت ترامپ می‌رفت و به تبع آن در مورد آمریکا

لطفاً در مورد حمایت دیپلماتیک که چندباری از آن اسم بردیم هم کمی بیشتر توضیح بدهید.

هم دعوی میان دو کشور است. اما علت آن نقض حقوق یک شخص است. مثلاً شخصی در کشور خارجی اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کند اما به علت قوانین داخلی دچار مشکل می‌شود. حالا اگر این شخص تبعه شخص دیگری باشد، تابعیت او از نوع تابعیت مؤثر باشد و دولت متبوع منافع خود را به واسطه شخص تحت تأثیر ببیند، می‌تواند از او حمایت دیپلماتیک به عمل بیاورد.

در دیوان بین‌المللی دادگستری امکانی وجود دارد به نام حمایت دیپلماتیک که در واقع زمانی که شخص طرف دعوی است به دلیل شرایطی به دعوی دو دولت علیه یکدیگر تبدیل می‌شود مانند دعوی نوت‌ته بام. در واقع دعوی‌هایی هستند که کشورها به نمایندگی از شخص علیه کشور دیگر اقامه می‌کنند، باز

با توجه به اینکه آمریکا این ترور را به مقابله با تروریسم ارتباط می‌دهد و از طرفی شناسایی سپاه قدس به عنوان تروریسم در دادگاه‌های داخلی آمریکا انجام شده، این ترور در فضای بین‌المللی هیچ‌گونه مشروعیتی ندارد، آیا همین‌طور است؟

جاست که نه تنها با توجه به این‌که برجام ضمیمه قطعنامه شورای امنیت بود با خروج از برجام، قطعنامه ۲۲۳۱ را نقض کرد بلکه سایر کشورها را به نقض این قطعنامه تشویق یا حتی به نحوی از طریق ابزار تحریم تهدید می‌کند.

بله، کاملاً صحیح است و تلقی کردن سپاه قدس به عنوان تروریسم جهانی صرفاً براساس قانون داخلی بوده است. چه بخواهیم یا نخواهیم آمریکا وزنه تأثیرگذاری در فضای بین‌المللی است و حتی تأثیر زیادی بر سایر کشورها می‌گذارد. اتفاقاً یکی از انتقاداتی که به آمریکا وارد است در همین

به نظر شما ایران در پاسخ به ترور سردار سلیمانی باید چه اقدامی انجام می‌داد که از نظر حقوق بین‌الملل هم قابل توجیه باشد؟

آمریکا باشیم. بلکه دادن یک پاسخ حقوقی صحیح به آمریکا می‌توانست در فضای بین‌المللی اثر خودش را داشته باشد. مخصوصاً اینکه بعد از برجام دید اروپا نسبت به ایران خیلی مثبت شده بود چرا که ایران درهای تمام پایگاه‌های هسته‌ای‌اش را به روی آژانس بین‌المللی هسته‌ای باز کرده بود، سیر اتفاقات مثبتی بود که در ایران می‌افتاد و ایران تدریجاً وزنه خوبی در حقوق بین‌الملل می‌شد.

باید در همان موقعی که ترور سردار سلیمانی اتفاق افتاد اقدام می‌کردیم. نباید منتظر یک زیرساخت محکم یا انجام اقدام بزرگی چون بمباران پایگاه عین‌الأسد می‌ماندیم. ما می‌توانستیم از یک طریق غیرنظامی واکنش نشان بدهیم. ممکن است بگویید که ایران نمی‌تواند علیه آمریکا اقدام غیرنظامی مانند تحریم انجام دهد و تأثیری ندارد. اما من می‌گویم با توجه به موقعیت آمریکا در این موارد نباید منتظر تأثیر خیلی بزرگی بر



بنابراین ما اگر یک اقدام غیرنظامی حتی یک شکایت ساده مطرح می‌کردیم، اثر بین‌المللی خودش را می‌گذاشت؟

بله قطعاً، ما حقوق‌دانان خیلی خوبی داریم و همین که حقوق‌دانان ما توانسته‌اند براساس عهدنامه مودت لایحه‌ای را تنظیم کنند که صلاحیت دیوان را در دعوی خود اثبات کنند خودش اقدام خیلی بزرگی است. و ما پتانسیل اقدام غیرنظامی دیپلماتیک مؤثر در حقوق بین‌الملل را داریم.

از جمع بندی مباحث به نظر میرسد ما به هیچ وجه نمی‌توانیم در فضای حقوق بین‌المللی مطابق قوانین داخلی و آنگونه که باید، حق افراد را بگیریم. آیا برداشت من صحیح است؟

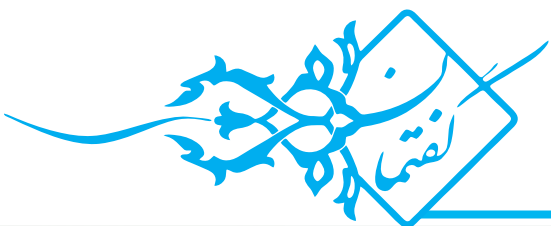
پی‌داشت. همین‌طور در مورد فاجعه هولناک هواییمای اوکراینی هم همه معتقدند شب بدی برای ایران بود در حالی‌که ما مجبور نبودیم شتابزده و طی یک اقدام نظامی عمل کنیم تا به این واسطه در فضای آماده باش قرار بگیریم و دچار این خطای فاجعه‌آمیز بشویم.

بله. اقدام ایران و آمریکا از سمت دیگری هم جای بررسی دارد و آن این‌که تمام این اعمال در کشور ثالثی انجام می‌شود. انگار که حاکمیت عراق به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ آمریکا شخصیت ایرانی را در عراق مورد اصابت موشک قرار می‌دهد و بعد از آن ایران پایگاه‌های آمریکا را در عراق بمباران می‌کند. که بعداً اعتراض مقامات عراق را در

مقامات کشورهای خارجی هم مصونیت دارند؟

بله. البته این مصونیت در مقابل دیوان بین‌المللی کیفری قابل استناد نیست.





آیا این درست است که با اتمام دوره ریاست جمهوری ترامپ مصونیت قضایی او نیز به پایان می‌رسد و تبدیل به یک شخص عادی می‌شود؟

دهند. در نتیجه برخی می‌گویند اگر بخواهیم مصونیت را در تنها به دوره مسئولیت فرد محدود بدانیم درست نیست. بلکه در مورد اعمال تصدی و اعمال حاکمیتی قائل به تفکیک می‌شوند. که مصونیت در اعمال حاکمیتی تا آخر عمر فرد وجود خواهد داشت. اما مصونیت در مورد اعمال تصدی تنها به دوره مسئولیت شخص محدود می‌شود و بعد از آن قابل پیگیری و محاکمه است.

بله! البته خیلی از حقوق‌دانان معتقدند که مصونیت در اینجا به طور کلی است، هم در مورد کارمندان بین‌المللی و هم در مورد اشخاص دولتی. این برمی‌گردد به این که ما ریشه و مبنای مصونیت را چه چیزی در نظر بگیریم؛ اگر ما مبنای مصونیت را حسن انجام امور بدانیم یعنی اینکه مصونیتی به افراد اعطا کنیم تا بتوانند کارهای خود را بدون دغدغه مؤاخذة شدن یا محاکمه قضایی انجام

با توجه به این که آمریکا در مورد بخشی از میثاق‌نامه حقوق مدنی قائل به رزرو شده است، بفرمایید که منظور از رزرو چیست؟

نکرده‌اند از جمله معاهده ۱۹۸۲ م. حقوق دریاها. یک سری از معاهدات هستند که به علت محتوای شان رزوناپذیر هستند. از جمله معاهدات حقوق بشری و حقوق بشردوستانه یعنی حقوقی که در مخاصمات مسلحانه اجرا می‌شوند. حالا این که گفته است آمریکا رزرو کرده است منظور این است که قسمتی از تعهداتش در مورد ممنوعیت سلب حق حیات را ذیل میثاق حقوق مدنی-سیاسی کاهش داده است.

رزرو همان حق شرط است که در حقوق معاهدات بین‌المللی وجود دارد. یک بخش از کنوانسیون وین ۱۹۶۹ م. که درباره حقوق معاهدات هست به این موضوع اختصاص داده شده، یعنی کشورها می‌آیند طی معاهدات یا میثاق‌هایی که با هم منعقد می‌کنند قسمتی از تعهدات خود را کاهش یا تغییر می‌دهند که به آن رزرو می‌گویند. یک سری از معاهدات هستند که این حق رزرو را قبول

آیا از آن جا که حق حیات از جمله حقوق بشر است و همان طور که خودتان اشاره کردید به علت محتوای خاصی که دارد، رزوناپذیر نیست؟

مثلاً کشورهایی که اعدام را به عنوان مجازات در نظر گرفته اند با شرایطی از جمله محاکمه عادلانه، ارتکاب جرم سنگین، جرم‌انگاری شدن در قانون و اطلاع مردم از آن و...

یک سری از حقوق بشر تخطی ناپذیرند از جمله شکنجه یا نسل زدایی. اما یک سری از حقوق مثل حق حیات تحت شرایطی قابلیت رزرو دارند.

حق رزرو بعد از تصویب معاهده است یا قبل از آن؟

آن ملحق می‌شود تقاضای حق شرط کند. اما اگر قبل از نگارش و در روند مذاکرات کاهش تعهدات در نظر گرفته شود، محتوای معاهده تغییر پیدا می‌کند و دیگر به آن رزرو نمی‌گویند.

اصولاً حق شرط در معاهداتی که نیاز به تصویب دارند وجود دارد، حالا ممکن است در زمان نگارش معاهده رزرو در نظر گرفته شود یا بعد از تصویب معاهده کشوری که به

یک بار دیگر به عنوان آخرین سؤال، به نظر شما بهترین اقدامی که ایران می‌توانست در جهت تأمین موازین بین‌المللی و اجرای قوانین داخلی خودش انجام دهد، چه بود؟

که علت این اقدام نقش داشتن سردار سلیمانی در حمله به سفارت آمریکا در عراق بوده است و مدعی وجود اسنادی مبنی بر هدایت و طرح ریزی این حمله توسط سردار سلیمانی بود. ایران می‌توانست این را به عنوان نقطه ضعف مطرح کند چرا که این ادعا به شدت از نظر مبنایی دچار اشکال بود.

به نظر من بهترین کار دیپلماسی است. همان طور که اشاره کردم هرگونه اقدام متقابل یک سری شرایطی دارد. از جمله توسل به راه‌های قبلی و ناکارآمد بودن آن‌هاست؛ آیا ایران حتی به آمریکا هشدار داد؟ آیا حتی سعی کرد تا علت این اتفاق و توجیه آمریکا را ببیند؟ ترامپ رسماً اعلام کرد

برای کسب اطلاعات بیشتر به مقالات زیر مراجعه کنید:

- ترور سردار، موشک باران عین الاسد، سرنگونی هواپیمای بوئینگ ۷۳۷: مثلثی در ترازوی حقوق بین الملل، سیدقاسم زمانی، نشریه داخلی مرکز مطالعات حقوق بین‌الملل مدرن، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- امکان سنجی پیگیری قضایی ترور سردار سلیمانی در دیوان بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی دادگستری، اعظم امینی و وحید بذار، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

پاورقی

۹) حق شرط: خودداری از اعمال بخشی از مقررات یک معاهده توسط یکی از طرف‌های معاهده است؛ کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات حق شرط را این چنین تعریف کرده است: بیانیه یک جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق به یک معاهده صادر و با آن قصد خود را اعلام می‌کند که اثر حقوقی بعضی از مقررات معاهدات به هنگام اجرای آن معاهده نسبت به خود را نمی‌پذیرد یا آن را تغییر می‌دهد.

سه حادثه سرنوشت ساز

مروری بر پیشینه روز ۱۳ آبان

زینب زارعی پور

زبان و ادبیات انگلیسی ۹۶

بعد از سخنان او، غوغای عجبی در آن جمعیت عظیم به پا شد. با حرف‌هایش به آن‌ها نیرو داده بود، قدرت ایستادن داده بود، آن‌ها را از حقوق از دست رفته‌شان آگاه کرده و به قیام و انقلاب دعوتشان نموده بود. جملات ساده امام، می‌رفت تا هریک ضربه‌ای بر پایه پوسیده نظام پهلوی بشود. بعد از این سخنرانی، دیگر حضور ایشان برای دولت و شاه قابل تحمل نبود. با هیچ شیوه‌ای نمی‌توانستند او را ساکت نگه دارند. از روز سخنرانی تا سه روز بعد یعنی ۱۳ آبان ۱۳۴۳، زمان تصمیم‌گیری شاه و اطرافیانش بود. آن‌ها که نتوانسته بودند مردم را از اطراف امام پراکنده سازند، در امام خمینی (ره) و شکستن در خانه‌شان، که بی‌شبهت به واقعه خانه جده‌اش حضرت زهرا (س) نبود، این رهبر بزرگ را به جرم دفاع از استقلال هموطنانش، به ترکیه تبعید کردند. و این سرآغاز هجرتی شد که ۱۴ سال بعد پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زد.

می‌گیرد. ولی چنان‌چه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام ایران را زیر بگیرد، کسی حق تعرض ندارد... تعدادی از جوان‌ها، با خودکار به جان برگه‌های سفیدی که در دستشان بود افتاده بودند و مو به مو کلمات او را می‌نوشتند. امام خمینی (ره) در سخنانش، شاه، اسرائیل و آمریکا را به شدت مورد تهاجم قرار می‌داد، با صراحت علیه آنان افشاگری می‌نمود و با ترسیم کاپیتولاسیون، حقی که آمریکایی‌ها در ایران برای خود تصویب کرده بودند تا در صورت انجام هر کار خلافی ایرانی نتواند چیزی به آنها بگوید، مردم را به قیام و انقلاب فرا می‌خواند. ما این قانون را قانون نمی‌دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی‌دانیم. ما این دولت را دولت نمی‌دانیم. این‌ها خائنند، خائن به کشورند... سخنرانی‌اش را با این جملات به پایان رساند و در آخر نیز برای نابودی خیانتکاران و پیروزی مسلمین دعا کرد.

«قلب من در فشار است. از روزی که مسأله اخیر ایران را شنیدم خوابم کم شده. ناراحت هستم، قلبم در فشار است... ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کردند... عزت ما له شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پای‌مال کردند...» گریه و فریاد حضار با بیان هر جمله امام بالا می‌گرفت، اشک‌های تلخ و پرحرارتشان بر گونه‌ها سرازیر می‌شد. امام خمینی (ره) بر سکوی سخنرانی ایستاده بود و جمعیت بی‌شمار، سخنانش را با چهره‌هایی نگران گوش می‌دادند و از شدت گریه شانه‌هایشان به لرزه می‌افتاد. او می‌گفت و مردم می‌گریستند. امام از کاپیتولاسیون سخن می‌گفت و آن را این‌طور برای مردم توضیح می‌داد؛ ملت ایران را از سگ‌های آمریکایی پست‌تر کردند! اگر کسی یک سگ آمریکایی را با اتومبیل زیر بگیرد او را بازخواست می‌کنند. حتی اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد مورد بازخواست قرار

۱

امام نیز این حادثه را این‌گونه توصیف کرد:

شما می‌بینید که الآن مرکز فساد آمریکا را جوان‌ها رفته‌اند گرفته‌اند و آمریکایی‌ها را هم که در آن‌جا بودند، گرفتند و آن لانه فساد را بدست آوردند و آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و جوان‌ها مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند...

خود را در پیروزی این قیام بزرگ ایفا کنند. به دانشگاه که رسیدند، دانشجویان و مردم نیز به آنها پیوستند. در این هنگام مأموران خشمگین شروع به تیراندازی به سمت این نوجوانان آزاده کردند. همه جا به خاک و خون کشیده شد. ۵۶ گل را پرپر کردند و ده‌ها تن را زخمی. امام با شنیدن از این جنایت، در پیام محکمی فرمودند: «عزیزان من صبور باشید، که پیروزی نهایی نزدیک است و خدا با صابران است. ایران امروز جایگاه آزادگان است. من از این راه دور، چشم امید به شما دوخته‌ام. صدای آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی شما را به گوش جهانیان می‌رسانم.» و این‌گونه شد که ۱۳ آبان و استقامتی دیگر رقم خورد.

۲

و آبانی دیگر، اما این بار سال ۱۳۵۷. انقلاب اسلامی اکنون به حساس‌ترین نقطه خود رسیده بود. هرکس تلاش می‌کرد تا سهمی در این حرکت عظیم داشته باشد. و دانش‌آموزان نیز از این قاعده مستثنی نبودند! صبحگاه ۱۳ آبان‌ماه بود، همه مدارس تعطیل بودند و به خوابی عمیق فرو رفته بودند. لکن دانش‌آموزان، نه تنها بیدار و هوشیار بودند، بلکه اجتماع عظیم‌شان با صدایی رسا و دست‌هایی مشت کرده، به سمت دانشگاه تهران در حرکت بود تا اعتراض خود را نسبت به این رژیم فاسد به گوش شاه و نوکرانش برسانند. آنها در حالی که به سختی نفس می‌کشیدند، با شعارهای مرگ بر شاه لرزه بر اندام مأموران شاه می‌انداختند. آمده بودند تا نقش

۳

که این لکه ننگ نیز از خاک ایران پاک شد و دست آمریکاییان غارتگر را از مال ایرانی‌ها کوتاه نمود. امام نیز این حادثه را این‌گونه توصیف کردند: شما می‌بینید که الآن مرکز فساد آمریکا را جوان‌ها رفته‌اند گرفته‌اند و آمریکایی‌ها را هم که در آن‌جا بودند، گرفتند و آن لانه فساد را بدست آوردند و آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و جوان‌ها مطمئن باشند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند... و این‌گونه شد که تبعید امام خمینی به ترکیه در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، کشتار دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران و تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، تبدیل به سه واقعه تاریخی کشورمان شدند که با این که سه رویداد متفاوت بودند، ولی هر یک در شکل دادن به حرکت عظیم انقلاب اسلامی نقش خاصی ایفا کردند.





فصل بودجه

ابوالفضل عباسی

دکتری اقتصاد توسعه ۹۹

بوده، و از تدوین اولیه تا نظارت اجرایی نهایی و اصلاح را در بر می‌گیرد. بسیاری از متخصصین حوزه‌ی حکمرانی، مهم‌ترین وظیفه‌ی اقتصادی دولت‌ها و پارلمان‌ها را اصلاح نظام بودجه‌ریزی و نظارت بر حسن اجرای آن می‌دانند. بسیاری از مشکلاتی که امروزه کشور با آن مواجه است، با اصلاح درست بودجه قابل حل است. اتفاقات سال‌های اخیر نشان می‌دهد که اصولاً اراده‌ی حاکمین و مردم بر این است که مسائل با اهمیت‌تر، کمتر مورد توجه قرار بگیرد. به طوری که سال‌هاست بررسی قانون بودجه در مجلس به وقت قانونی خود نمی‌رسد و در نهایت با اشکالات فراوان تنها از جهت رفع مسئولیت تصویب می‌گردد. همین سال گذشته و در حساس‌ترین شرایط اقتصادی کشور، نهایتاً بودجه سال ۱۳۹۹ با حکم حکومتی رهبر معظم انقلاب به قانون تبدیل شد تا حداقل خود قانون بودجه درگیر وضعیت نامناسب قفل شدگی دولتی در ایران قرار نگیرد. در تمام دولت‌ها کتابچه‌ی بودجه دست مایه‌ی سیاسی‌کاری و اعمال فشار دولت حاکم بر دستگاه‌های کشور همچون صداوسیما، قوه قضائیه و ... قرار گرفته و بودجه‌ی دستگاه‌ها همواره گروگان دولت‌ها برای رام و فرمانبردار کردن آنان بوده است. و تا کنون، حدود ۷۵ درصد بودجه‌ی بیت‌المال یعنی بودجه‌ی شرکت‌های دولتی - به طور کاملاً رسمی در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و این اشتباهی راهبردی در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران است. اگر قرار است در سال جاری گامی هر چند کوچک در جهت اصلاح این اشتباه نابخشودنی برداشته شود، همین حالا وقت آن است. (چه بسا که دیر شده باشد)

اقتصادی کشور در صف اجرا هستند که به علت تعلل دولت و معطل نمودن اقتصاد و گره زدن آن به مذاکره، پشت دیوار ریاست جمهوری تل‌انبار شده‌اند. سیاست‌هایی همچون بهبود فضای کسب و کار و اصلاح قوانین تولید و صادرات، کاهش وابستگی نهادی اقتصاد کشور به نفت و درآمد‌های آن، اصلاح نظام بودجه ریزی، فعال‌سازی سرمایه انسانی و اقتصاد دانش محور، ثبات و امنیت اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و غذایی، شفافیت و جلوگیری از فساد و... در این شرایط و با این تعلل، بیش از این سه راه پیش روی همه‌ی ما نیست:

۱. ادامه‌ی روند کنونی وابستگی به نفت، کسری بودجه مداوم، استفاده از راه‌های خسارت بار جبران کسری بودجه مثل دست‌اندازی به بورس، دست و پا زدن در فضای تحریم مالی و نفتی و افول روزافزون اقتصادی.
۲. تنش‌زایی و بی‌ثباتی مداوم اقتصادی و اجتماعی از طریق ایجاد شکاف اجتماعی بین مردم و حاکمیت در مسیر پیاده‌سازی اصلاحات اقتصادی و رسیدن به عدالت. استفاده از روش‌های امنیتی و قضایی برای برخورد با ناآرامی‌های مدنی که جلوی شکل‌گیری پدیده‌ی دولت-ملت را گرفته و خلاف سیاست‌های مردمی‌سازی اقتصاد و اتحاد جامعه است.
۳. داشتن یک استراتژی همه جانبه و طولانی مدت اصلاح ساختارها در مسیر پیاده‌سازی آرمان عدالت با حفظ آرامش، کرامت و عزت مردم و نظام اسلامی. بودجه گلوگاه همه‌ی اصلاحات اقتصادی ذکر شده است. منظور از بودجه تنها نوشتار قانون بودجه نیست، بلکه فرآیندی است که در آن احاد جامعه و حکمرانان دخیل

در سال جاری در شرایطی به سر می‌بریم که:

۱. بحران کرونا موجب تعطیلی بسیاری از کسب و کارها شده و غیر از مسائل بهداشتی و درمانی، خانواده‌های ایرانی را با مسائل مختلف اقتصادی مواجه نموده است.
۲. کشور در شرایط شدید تحریمی به سر می‌برد و دولت‌مردان نیز راهکاری به جز مذاکره (که خود هزینه‌های فراوانی داشته و نتیجه‌ی ملموسی نیز به دنبال ندارد) برای خنثی کردن اثر تحریم‌ها ارائه نمی‌دهند.
۳. در شرایط شدید رکود تورمی، از قدرت خرید مردم کاسته شده و روز به روز به قیمت کالاهای اساسی افزوده می‌شود.
۴. یک‌سال از اجرای ناصحیح طرح افزایش قیمت بنزین و آشوب‌ها و خسارت‌های پس از آن می‌گذرد و اجرای هر سیاست اصلاحی در کشور با محافظه‌کاری فراوانی روبرو است.
۵. درآمد‌های دولت در بحران به سر می‌برد و برای پوشش کسری بودجه روش‌های جایگزین زیادی در دسترس باقی نمانده است.
۶. عدم کنترل و خط‌مشی‌گذاری نامناسب؛ بازارهای بورس، طلا و ارز را دچار اختلال نموده و بخش زیادی از سرمایه‌های مردم را به هدر داده است.
۷. سیاسی‌کاری، سیاست‌زدگی و پوپولیسم گریبان فضای نهادی کشور را گرفته و در سال انتخابات، امید به اصلاح جدی روندهای نادرست گذشته که نتایج فاجعه بار امروز را به بار آورده است از ریشه نابود گردیده است.
۸. به خاطر رکود موجود و فشار بیش از حد تحمّل به مردم، جای هیچ‌گونه سیاست ریاضتی به منظور اصلاح ساختارها باقی نمانده است. در چنین شرایطی، اساسی‌ترین اصلاحات در فضای



و اینک، زن!

مأذنه عباسی

حسابداری ۹۷

معنای زن فراتر از فهم کوچک من می‌باشد. آن قدر فراتر که باور می‌کنم که در شکل‌گیری یک تمدن انسانی عظیم، زنان هستند که تعیین‌کننده‌ترین نقش را دارند.

و آنان هستند که تصمیم می‌گیرند که به اطرافیان حیات ببخشند یا بودن دیگران را قرین نیستی و فنا سازند. می‌پرسی چه نقشی دارند؟ می‌گویم: «زن اگر زن باشد، مردها هم مرد می‌شوند. ساده‌تر اگر بخواهی، آنکه وقتی زن در شأن خود می‌ماند، عزت و اقتدار او مردان را در شکوه انسانیت نگه می‌دارد. اما آنگاه که زن از این جایگاه خارج شد، هم خود و هم تمام جهان سرسبزش را، در آتش قهر می‌سوزاند.»

با جریان دائمی خون در این قلب‌های بلورین هماهنگ باشی. در هر موقعیت و جایگاه که هستی، در اولویت بودن حفاظت از آن‌ها را از یاد نبر و بدان خوش‌آهنگ‌ترین ساز دنیا در وجود انسان‌ها نواخته می‌شود.»

آن زمان نمی‌دانستم که چرا مادر این چیزها را به من و سایر خواهر و برادرانم یاد می‌دهد. اما امروز، خوب می‌فهمم که دلیل آن، چه و اهمیتش چقدر بود.

فارغ از هیاهوی جهان ماشینی، او مرا با تپش‌های قلب خود آشنا کرد و به من آموخت این صدا، حیات بخش‌ترین صدای عالم است. هیچ‌گاه نباید فراموش کرد که این قلب پرامید، نباید تحت ظلم و ستم رنجور شود و با آن قدر گوش زمان از صداهای مختلف پر شود،

که صدای حیات آدمی به گوش او نرسد.

شاید تنها لفظ «مادر» برای او کم باشد. به یقین می‌گویم که او بعد خالق، خالق جهان ماست و انسانی‌ترین شعاری که سر می‌دهد، خود انسان است. او انسان می‌سازد و با تغییر او، انسان عوض می‌شود و تمام شعارها

درست مانند بازی هفت سنگ، که اگر کسی هوشمندانه سنگ زیرین را نشانه بگیرد، تمام سنگ‌ها فرو می‌ریزند، در جامعه نیز، اگر زنان دچار انحراف شوند، بنیان اجتماع متزلزل می‌شود و این‌گونه ملت‌ها و دولت‌ها، تغییر و تحول می‌یابند.

زیر و رو می‌شوند. اوست که در شعار و عمل، سرآمد می‌شود و مرا از دل سپردن به هر فریاد کوبنده و به ظاهر بشردوست‌هایی، بی‌نیاز می‌کند.

بارها از بیان گهربار بزرگان علم و عمل، درباره قدرت و شکوه زن شنیده‌ام. و با کمی تأمل در احوالات زنان روزگار، در عمل هم آن را مشاهده کردم. نیم‌نگاهی به وضع زنان هر اجتماع، وضع موجود آن جامعه را توجیه می‌کند.

درست مانند بازی هفت سنگ، که اگر کسی هوشمندانه سنگ زیرین را نشانه بگیرد، تمام سنگ‌ها فرو می‌ریزند، در جامعه نیز، اگر زنان دچار انحراف شوند، بنیان اجتماع متزلزل می‌شود و این‌گونه ملت‌ها و دولت‌ها، تغییر و تحول می‌یابند.

دلیم می‌خواهد آن بازی کودکی را که مادر به من آموخت، از سر بگیرم و صدای قلب انسان را به گوش تمام اهل زمین برسانم و از آن‌ها بپرسم: «چه چیز را به این صدا ترجیح می‌دهید، آن زمان که بدانید هر انسان، قلبی در سینه دارد و آن قلب می‌تپد و چاک چاک شدن آن سینه و شکستن آن قلب، این صدای خوش‌الحن را خاموش می‌کند و یک انسان از دست می‌رود؟»

این درس بزرگ‌ترین استاد من است که انسان تربیت می‌کند و این‌گونه به جهانی معنای زندگی می‌بخشد و اجازه نمی‌دهد روح ملکوتی آن، در بی‌کرانه‌های ظلمت غرق شود. او خود انسانی عالم است و انسان عالم می‌پرورد.

-گوش کن دخترکم، چه می‌شنوی؟
+خاص‌ترین صدایی است که تا به حال شنیده‌ام.
شبه هیچ صدایی نیست!

-درست است. حواست جمع باشد که این صدا و این ضرب‌آهنگ، هیچ‌گاه نباید دچار تغییر شود. همیشه به خاطر داشته باش که هیچ صدای دیگری را به آن ترجیح ندهی و هیچ کسی را از شنیدن این صدا محروم نکنی.

+مادر سرگوشی را از روی قلب من برداشت و من گوشه‌ای از گوش خود برداشته و به او دادم. ویژه‌ترین بازی درس‌آموز مادر برای ما، شنیدن صدای تپش‌های قلب‌مان بود. میان انبوهی از شعارها، نصیحت‌ها و سخنرانی‌ها، آن چند جمله‌ی عالمانه‌ی مادر را، هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم. آن زمان که از حرف‌های بی‌رنگ، یا رنگ

به رنگ آنان که برای انسان شعار سر می‌دهند و تعاریف مختلفی از انسانیت ارائه می‌کنند، سرگیجه می‌گیرم و از تضاد میان حرف و عمل، حالم رو به وخامت می‌رود، این جملات راهنمای من می‌شوند و تپش‌های قلب مضطربم را منظم می‌کنند. به راستی در این مثنوی پر حادثه دنیا، من و دوستانم

کدامین قافیه را باختمیم که این‌گونه فریب زمزمه‌های وسوسه‌انگیز را خورده‌ایم؟

به وضع خود و امثال خود نگاهی می‌افکنم و با دیدن بعضی زنان روزگار و حال و روزشان، قلبم به درد می‌آید. زنانی را می‌بینم، با گوشواره‌های باروتی، که حاصل انتخاب آن‌ها فقر و بیچارگی و ساختن خانه در زیر بمباران نامردمان شده است. زنانی دیگر، در خدمت آنان که قلب‌هاشان زنگ زده است و گویی کاملاً فراموش کرده‌اند که مرز وجودی آن‌ها با سایر موجودات چیست و یک انسان چه تفاوتی با سایر اشیا دارد. آن سوی نگاه خودبینانه شهر، زنانی غرق در زیورآلات دلفریب در جست و جوی محبتی ظاهری و یا شاید هم نگاهی آلوده به لایه‌ای از گرد و غبار و تاریکی. زنانی دلشکسته را می‌بینم، غرق در ماتم خیانت‌های کوردلان و زنانی که چهره برافروخته و با نشاطی هول‌انگیز، از حریم ملکوتی و امن خود به در آمده و به فقر هزارتوهای پر از وحشت و آسیب فرو رفته‌اند. و میان این خیل عظیم انسان‌های لطیف، چه انگشت شمارند آنان که به هویت خود استوار و به ارزش‌های الهی خود پایبندند و نیک می‌دانند کجا باشند و چه کنند، چرا که جهانی وابسته به وجود و انتخاب آن‌ها است.

این‌جا، آن نقطه عطفی است که نقش هر کدام از ما در شکل‌گیری جهان اطرافمان به روشنی دیده می‌شود. نجوای دلسوزانه مادر در جان من می‌پیچد که می‌گفت: «به صدای قلب خود و اطرافیانت گوش کن و به گونه‌ای حرکت کن که



تقابل تمدن‌ها در علم

الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت

در بیانات رهبری

زاهده خاکساری

مهندسی ژنتیک گیاهی ۹۷

چه نخواهند. مدل توسعه را از قرآن می‌گیریم. اولاً اسم این حرکت را پیشرفت می‌گذاریم، نه آنی که آن‌ها رشد و توسعه نام‌گذاری می‌کنند. غربی‌ها با این روش و مدل، بدبختی و مشکلات فراوانی را برای خود درست کرده‌اند. این مدل زرق و برق ظاهری است و در باطن پوسیده و رو به فساد است. توسعه کلمه غربی است و مفهوم غربی دارد. ما کلمه پیشرفت را به کار می‌بریم. الگوی پیشرفت ایرانی و اسلامی، این الگو را باید پیدا کنیم. چرا باید دست‌های غربی به ما الگو بدهند؟! «مانند سند توسعه پایدار ۲۰۳۰». این کار دانشگاه‌ها و اساتید است. الگوی رایج توسعه غربی از مبانی غلط و بر پایه اومانیسیم و اصول غیرالهی است و از لحاظ آثار و نتایج نیز نتوانسته‌اند داده‌هایی را که در خصوص ارزش‌هایی از نظر آزادی و عدالت داده بودند، محقق کنند. این جوامع اگرچه پیشرفت‌هایی هم داشته‌اند، اما پیشرفت، تا اعماق آن نفوذ نکرده است. ما پیشرفت را به شکلی که غربی‌ها دنبال کرده‌اند، نمی‌خواهیم. پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. این پیشرفت نتوانسته فقر و تبعیض را از بین ببرد و عدالت و اخلاق انسانی را در جامعه مستقر کند. و از اول پیشرفت آن، بر پایه ظلم، استعمار و غارت کشورهای دیگر بنا شده است. در همین منطقه شرق آسیا پرتغالی‌ها و هلندی‌ها، جاهای مختلفی رفته‌اند؛ مگر هلند چه اندازه عرض و طول جغرافیایی، تاریخی و ارزش علمی دارد؟! همین‌طور اسپانیا و انگلیس؟ تمام قاره عظیم آسیا و آفریقا را در مشت گرفتند. این‌ها مراکز ثروت بودند. در نوشته نحوه «نگاهی به تاریخ جهان» به پیشرفت‌های علمی موجود در هند پیش از ورود انگلیسی‌ها،

ما را رستگار کنند و امنیت و آرامش روانی ببخشند؛ همچنان که در دنیای غرب نتوانسته‌اند. اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی است؛ به طور خلاصه الگویی است مرکب از: ایمان، علم و عدالت. این سه عنصر اصلی است. «ایمان» به معنای ایمان توحیدی و خالص، که هم در ساخت شخصیت انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی با گستره‌ی بی‌انتهای «و علم» و «علم الهی» و همچنین علوم طبیعی «که غربی‌ها هنرشان را نشان داده‌اند، یعنی تسخیر و تسلط بر طبیعت» که در اسلام ممدوح است، همچنین علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر. و «عدل» هم به معنای وسیع عدالت اعم از عدالت اقتصادی، قضایی و اجتماعی... عدالت به معنای واقعی آن چیزی است که امام به ما یاد داده است. البته ما در هر سه بخش عقیبیم و تحرک ما مناسب و شایسته نبوده اما این الگویی است که خود را در شعارها و اظهارها و جهت‌گیری‌ها و در حرکت‌هایی که در این ۴۱ سال صورت گرفته، نشان داده است. همچنین در شخصیت‌سازی اسلامی نمایان شده است؛ نمونه‌ای از آن شهید بهشتی، مطهری، باهنر، رجایی و همچنین شهید سلیمانی است. بنابراین شما با عملکرد خودتان می‌توانید این الگو را در چشم جهان شیرین کنید و تبلیغ کنید و یا برعکس آن را از چشم بیندازید. بنابراین خدمت در جمهوری اسلامی فقط صرف این نیست که ما با خدمت خودمان کمکی به آحاد بشر، کشور یا یک جمع معینی بکنیم. مهم این است که ما با خدمت و عملکردمان در واقع چهره اسلام و الگوی اسلامی را نشان دهیم و این الگو وجود دارد؛ چه مستکبرها بخواهند و

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی در نظر بگیریم، بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد. این طور بگوییم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این تمدن نوین دو بخش دارد؛ یک بخش ابزاربست و بخش دیگر متنی و اساسی است و به هر دو بخش باید رسید. بخش ابزاری عبارت است از، همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم. علم اختراع، صنعت، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، ابزارهای تبلیغ و... این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است. البته ما با وجود فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها، در این بخش پیشرفت خوبی داشته‌ایم و کارهای زیاد انجام گرفته‌است. اما بخش حقیقی، آن چیزی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. به عبارتی همان بخش حقیقی و اصلی تمدن است. مثل خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن و لباس، الگوی مصرف، نوع تغذیه، تفریحات، نوع خط و زبان، کسب و کار، رفتار در محل کار، رفتار با پدر و مادر، همسر و فرزند، رفتار با پلیس، رفتار با دشمن و بیگانه، نظافت و طهارت. این‌ها بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است و در اصطلاح اسلامی به آن «عقل معاش» می‌گویند. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر بر این موضوع است. می‌توان بخش اول را بخش نرم‌افزاری تمدن و بخش دیگر را، بخش سخت‌افزاری پیشرفت در نظر گرفت. در واقع اگر ما در این بخش که متن زندگی است؛ پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم نمی‌توانند



و برخوردار بودن از قوت و مقاومت علمی در برابر نظرات معارض و مخالف، از جمله الزامات تدوین الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی است. فکر و اندیشه، روح اصلی این حرکت است و باید هرگونه نقص و اشکال احتمالی، قابل اصلاح باشد. لازمه تحقق این الگو و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان‌سازی آن در جامعه است. در این حرکت ضمن پرهیز از هرگونه تعجیل و شتاب‌زدگی، از تجربه‌های جدید و استعدادهای جوان نیز باید استفاده شود تا موتور حرکت باز نایستد؛ و با حضور دانشمندان جوان و پراگیزه و بانشاط کشور در مراکز علمی پیشرفته همچون فناوری نانو، هسته‌ای و همچنین مراکز صنایع دفاعی، باید به آنها اعتماد کرد. زیرا، انگیزه و نشاط جوان تمام نشدنی است. جوان‌ها باید خودشان را در قبال مسئله پیشرفت کشور مسئول بدانند. برنامه پیشرفت برنامه مشخصی است، برنامه باید سنجیده باشد. الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی که تا ۵۰ سال می‌تواند محرک این کشور در جهات مختلف باشد، تبیین شده و تعیین شده و آماده شده در اختیار صاحب‌نظران است که آن را ورز دهند و تکمیل کنند و کامل کنند. شما جوانان خودتان جزئی از فعالان این نقشه وسیع و همه‌جانبه هستید و باید خودتان را آماده کنید. این آمادگی یک روز با درس خواندن است و یک روز با تحقیق کردن، ساختن، کار و ابتکار، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی و یک روز با حضور در میدان سیاست است. هر روزی و هر دوره‌ای از زندگی شما یکی از این اقتضائات را دارد؛ خودتان را در همه احوال موظف بدانید و در قبال پیشرفت کشور، خودتان را مسئول و سهیم بدانید.

در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی، طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها، بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است؛ بنابراین افق کار باید بلندمدت و همراه با افزایش عمق نگرش باشد. با توجه به تحت تأثیر بودن دنیای امروز از الگوی تمدن و پیشرفت غرب و تسلط تمدن غرب بر همه عرصه‌های زندگی، در چنین



پیشرفت، در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی، طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها، بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است



شرایطی طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نیازمند جرات، شجاعت و انگیزه بسیار قوی است. تدوین علمی، ایجاد زمینه برای بحث و تضارب آرا درباره الگو، مشخص شدن مرزبندی‌ها و تمایزات الگو با نسخه‌های فراوان و مکاتب موجود در دنیا، توجه توأمان به آرمان‌ها و اقلیت‌ها، کاربردی بودن

اشاره می‌کند که کشور هند در مسیر علمی معقول و صحیح حرکت می‌کرده. تا که انگلیسی‌ها می‌آیند و با کمک علم و سلاح این کشور را تصرف می‌کنند و بی‌دلیل انسان‌ها را می‌کشند، منابع و ثروتش را از بین می‌برند و خودشان را به آن تحمیل می‌کنند. آنگاه ثروت را از هند بیرون می‌کشند و در کشور خودشان سرمایه‌گذاری می‌کنند و برای خود ذخیره درست می‌کنند. انگلیسی‌ها، آمریکا را با پولی که در هند به دست آوردند، گرفتند. تا قبل از سال‌های استقلال آمریکا که انگلیسی‌ها بر کشور آمریکا مسلط بودند؛ عمده درآمد تجار انگلیسی، تجارتی بود که از هند به سواحل آمریکا می‌کردند. بعد با مقابله ساکنان آمریکا، البته نه ساکنان بومی بلکه باز همان مهاجرین انگلیسی و اسپانیایی و...، جنگی انجام گرفت و پس از استقلال آمریکا، دوران تسلط انگلیس تمام شد. به هر حال آن‌ها پایه تمدن خودشان را با مکیدن خون ملت‌ها شروع کردند. بعد هم با پیشرفت‌های گوناگون، نه ظلم و تبعیض را در کشور خودشان برطرف کردند و نه توانستند جوامع فقیر را به بی‌نیازی برسانند. می‌توانیم امروزه وضعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را مشاهده کنیم؛ این انحطاط اخلاقی و لجن‌زار اخلاق جنسی، پیشرفت تمدن غربی یک چنین پیشرفتی است. ما این را به هیچ وجه نمی‌پسندیم، ما به دنبال الگوی مطلوب و آرمانی خودمان هستیم؛ یک الگوی اسلامی و ایرانی که از هدایت اسلام سرچشمه می‌گیرد و از نیازها و سنت‌های ایرانی بهره می‌برد. یک الگوی مستقل. البته امروز محققین و صاحب‌نظران تلاش‌های فراوانی می‌کنند تا این الگو را تدوین کنند. پیشرفت،

شفافیت، لطف یا وظیفه؟!

مهدی طالبی

ارشد مدیریت استراتژیک ۹۹

شکست این دوگانه و بازتعریف نوع نگاه به مطالبه‌ی شفافیت از سوی دانشجویان خواهد شد. بسیاری از وجوه شفافیت که در نگاه اول ممکن است، به دلایل متعدد، غیرقابل دسترس تلقی گردند، به فراخور میزان پرداختن به آن توسط دانشجویان، بخش‌هایی از نظام مسائل را روشن کرده و خود حلقه‌ی وصلی جهت دستیابی به اعماق و سطوح دیگر این نظام گردیده‌اند و حتی جبهه‌ای که در مقابل این گفتمان ایستاده است را به جبر با موج شفافیت خود همراه کرده و آن را در دل فضای گفتمانی خویش حل کرده است. به طوری که نگاه متوقعانه پس از مدتی به نگاه تکلیف مدارانه تغییر پیدا کرده است. امروزه بیش از گذشته، تبیین ابعاد گفتمان شفافیت بر دانشجوی دغدغه‌مند اهمیت پیدا کرده و تقویت نگاه تکلیف مدارانه در قبال تلاش برای دستیابی به شفافیت، دست‌کمی از خود شفافیت نخواهد داشت؛ زیرا با تغییر نوع نگاه حاکم بر این فرایند، در طولانی مدت این اتفاق پیام‌آور تسریع و تعمیق در نظام مسائل و حل بهتر آنان خواهد بود.

می‌تواند گام اول را جهت فراگیری جامع این اتفاق فراهم آورد. اتفاقی که نه فقط روشی برای دست یافتن به تعالی در تمام وجوه می‌باشد، بلکه تنها روش رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، چه در سطح دانشگاهی و چه فرادانشگاهی می‌باشد. ایستادن در مقابل گفتمان شفافیت، گاه برخاسته از ترس ناشی از جهل و گاه برخاسته از مطامع فردی یا جناحی است. که در طولانی مدت باعث ایجاد یک جبهه در مقابل این گفتمان خواهد شد و سعی خواهد کرد که تلاش‌های آن را به حاشیه براند. به گونه‌ای که هزینه ایجاد چنین گفتمانی را بالا برده و آن را به عنوان یک «مطالبه کاذب» یا «مطالبه دور از دسترس» در ذهن دانشجویان طرح‌ریزی کند. گاه این ممانعت توقع حرکت را از دانشجو سلب کرده و دوگانه «لطف یا وظیفه» را مطرح می‌کند. البته راه‌حل برون رفت از چنین معضلی، سهل‌الوصول بوده و تنها با شناساندن نمونه‌های موفق مطالبه شفافیت که مسیر منطقی را طی کرده‌اند، به سرانجام خواهد رسید. این اتفاق به خودی خود باعث

شفافیت از لحاظ چپستی، آن‌گونه که به ذهن اغلب انسان‌ها متبادر می‌گردد، تلاشی در جهت تکامل آگاهی نسبت به نظام مسائل پیش‌رو و یافتن جایگاه حقیقی این مسائل است، که در نهایت منجر به ارائه راهکارهایی جهت برون‌رفت از مشکلات خواهد شد. شفافیت به مثابه یک چراغ، باعث روشن شدن نسبت مولفه‌های مؤثر در بهبود و کنترل وضعیت؛ و حرکت‌دهنده چرخ‌دنده‌های حلال این نظام مسائل است. دانشگاه به عنوان پیشران تولید الگوهای ذهنی و رفتاری جامعه، موظف به تعریف صحیح جایگاه شفافیت و ارائه خروجی‌های مطلوب از این مدل است. به گونه‌ای که سرریز پیاده‌سازی این الگوها در طی زمان، فضای جامعه را در بر گرفته و گفتمان شفافیت را در جایگاه حقیقی آن در تمامی ابعاد، بسط خواهد داد. دانشجوی دغدغه‌مند، مؤثرترین و مهم‌ترین مؤلفه ایجاد مطالبه‌ی گفتمان شفافیت در دانشگاه است؛ زیرا دانشجوی در قامت مبین مسائل جامعه، از حریت لازم جهت پیش‌برد این اهداف برخوردار بوده و تعریف ساز و کار مناسب در سطح دانشگاه،



یک بام ، دو هوا

آزادی بیان منهای اسلام

رقیه حسین زاده

قائم مقام حوزه

این زمین است که این چنین در گرداب حوادث خرد و کلان فرو رفته است. میدانی برای بروز و صحنه‌ایی برای به نمایش گذاشتن آنچه آدمی تاکنون بدان رسیده است و خواهد رسید. آنچه امروز، در فرآیند تکوین نظم نوین جهانی مشاهده می‌کنیم، آمیخته‌ای از ابهام و تناقض در گفتار و رفتار است. تأمل در اصل مفهوم آزادی و میزان تحقق آن در نگاه تمدنی غرب، یکی از مهم‌ترین ابزار برای سنجش عیار دولت‌ها و رصد عملکرد مدعیان حقوق بشر است. در کشوری که مدافع درجه یک آزادی بیان است و ادعا می‌کند

که آزادی، ابرارزشی است که نباید خدشه‌دار و یا محدود گردد، فاصله‌ی میان حرف تا عملش، جای بسی تأمل دارد. [فرانسه ۱۹۹۱ م.] استادی از تدریس محروم و از دانشگاه اخراج می‌شود. پروفیسور فورسیون تنها کسی نیست که در کشورش، به جرم آزادی بیان و زیر سؤال بردن هولوکاست (که به کشتار دسته جمعی و نسل‌کشی نزدیک به یازده میلیون نفر، در طی جنگ جهانی دوم، به دست آلمان نازی، اطلاق می‌شود) به چنین سرنوشتی دچار شده است. از دیگر سو، رئیس جمهور آزادی‌خواه (!؟) فرانسه، از یک اقدام بی‌شرمانه برای مخدوش کردن چهره‌ی یگانه پیامبر تمام بشریت، حمایتی نابخردانه می‌کند و آن را نشانی از آزادی بیان می‌خواند. این دم زدن، در حالی است که اگر در میان شهروندان، کوچک‌ترین اثری از مخالفت و حتی تردید نسبت به مسئله هولوکاست وجود داشته باشد، آنان باید در انتظار مجازات و عقوبتی سنگین باشند.

بی‌تردید، ریشه این تضاد و تناقضات را باید در تفسیر از آزادی جست و جو کرد. چرا که گویا آزادی، تنها آن جایی معنا می‌یابد که در خدمت نظام سلطه باشد. آزادی مطرح در کشورهای غربی به نفع استعمار، استحمار و استکبار جهانی است و آنچه که تاریخ شاهد آن بوده است گواهی بر صدق این ادعاست.

چه بسیار جوامع آزادی‌خواهی که در مسیر انقلاب‌های حق طلبانه قرار داشته‌اند و به طرز وحشیانه‌ای سرکوب شده‌اند. به راستی باید از حامیان حقوق بشر در سراسر جهان پرسید: «چرا انتقاد از هولوکاست که از دید رئیس جمهور فرانسه و حامیانش، مبارزه با ایدئولوژی صهیونیسم و نوعی یهودی ستیزی محسوب می‌شود، در مقوله آزادی بیان نمی‌گنجد و ممنوع است اما توهین به اسلام و ارزش‌های مسلمانان، در کشوری که جمع

کثیری از مردمانش مسلمان هستند و گرایش به ادیان الهی دارند، نه تنها ممنوعیتی ندارد، بلکه قابل دفاع می‌باشد؟ مگر نه این است که به گفته امانوئل مکرون، فرانسه کشور آزادی بیان است؟!»

آنچه مشهود است، این است که در جوامعی که کمترین حق آزادی، که حق مالکیت فردی می‌باشد، را از طریق نسل‌کشی‌های گسترده و استثمار و تجارت بردگان از انسان‌ها سلب کرده‌اند، تکیه بر حرف‌های پوچ و عملکرد ظالمانه این دستگاه‌ها، خانه بر مسیل ساختن

پیامبری که رحمة للعالمین است، نشانی جز اسلام هراسی و تلاش برای جلوگیری از گرایش مردمان تحت ستم دولت‌ها به حقیقت اسلام دارد؟ بدون تردید هیچ انسان فرهیخته و اهل فرهنگ و هنری، از این بی‌احترامی خرسند نخواهد بود و می‌فهمد کسی که برای شخصیت مورد احترام جمع کثیری از انسان‌ها احترامی قائل نیست و این‌گونه دست به تمسخر می‌زند، برای خود انسان نیز احترامی قائل نخواهد بود. پس با اندکی تأمل می‌تواند پی به نیت‌های شوم آن سوی این رفتار نابخردانه ببرد.

این دست که امروز به گمان خود این‌گونه چهره اسلام را مخدوش می‌کند، همان دستی است که حامی همه جانبه‌ی داعش و گروه‌های تکفیری و وهابی است. از یک سو زبان به تمسخر دراز دارد و از سویی دیگر، دستی بر ظلم و جنایت. جنایتی که تاکنون بشر به خواب خود هم ندیده است. خدعه‌ایی برای به رخ کشیدن چهره‌ای خشن از اسلام در مقابل دید جهانیان و توطئه‌ایی برای ایجاد مانع در اسلام‌خواهی جوامع غربی است. و یا هم این که می‌خواهد با تضعیف ملت‌های اسلامی و ایجاد اختلاف میان آن‌ها، بر امورشان تسلط پیدا کند و باعث گسستگی وحدت میان آن‌ها شده و مقاومت‌شان را بشکند.

اکنون اسلام با مبنای توحیدی، این مسئله را اثبات کرده است که محدود به چند ملت و مختص به مسلمین نیست. بلکه اسلام برای بشر آمده است. و هدفش اجرای عدالت در گستره هستی و پیام آن، سعادت انسان است. وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که معرف این مکتب به جهانیان و محور وحدت در میان

مسلمین می‌باشد. نه تنها مسلمین جهان، که اگر قشر روشن فکر و اندیشمند خواهان تحقق آزادی و اجرای عدالت، در خارج و داخل کشور، قاطعیت لازم را برای مقابله با این جریان انسان‌ستیز نداشته باشد، مدعیان دروغین حقوق بشر در تمدن رو به افول غرب روز به روز گستاخ‌تر شده و این افسارگسیختگی گریبان کل بشریت را خواهد گرفت. در پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به جوانان فرانسه، این دعوت به عدالت‌خواهی را به وضوح می‌توان دید.

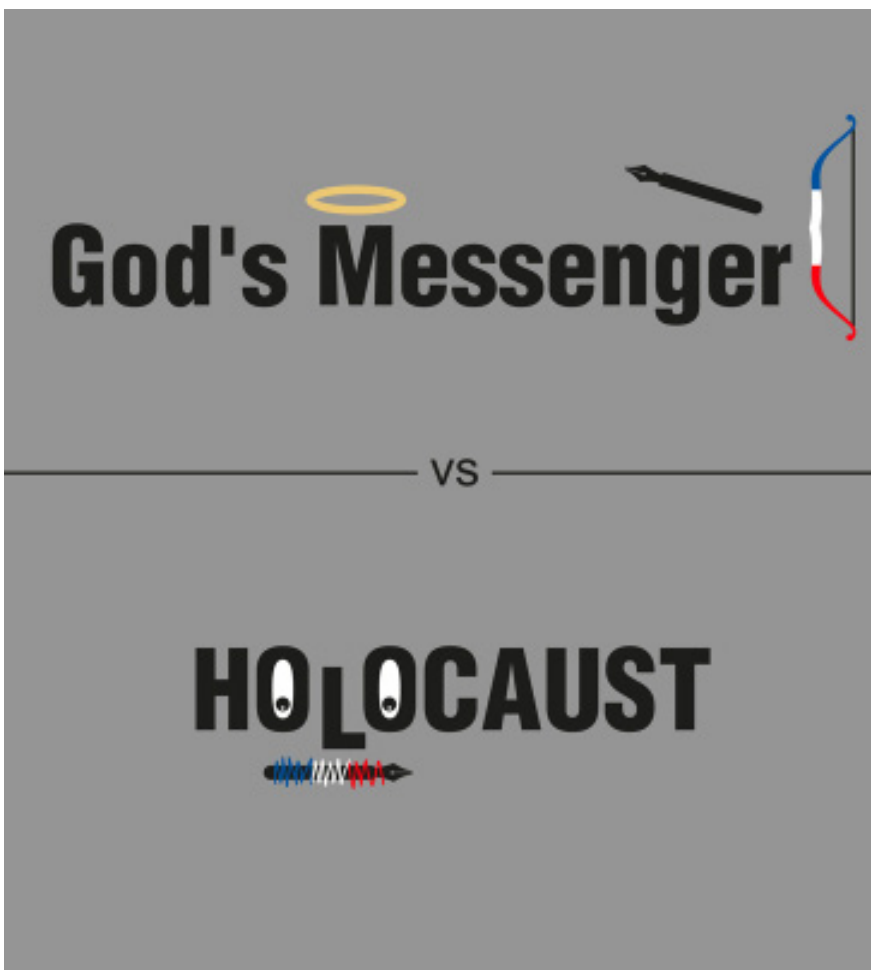
به گمان ما، این پیام نه تنها برای مردم فرانسه، که الگویی برای تمام مردم جهان است که مطالبه‌گری به حق داشته باشند و زیر بار ظلم و ستم و نیرنگ‌های روباه صفتان نروند.

این دعوت اسلام و دعوت پیامبری است که مکارم اخلاق است و اینک ما هستیم که با انتخاب خود، سرنوشت خود را رقم خواهیم زد.

است. بی‌شک چنین تمدنی - به تعبیر قرآن کریم - با چنین لانه عنکبوتی نه تنها به مردم مستضعف خود، که حتی بر خود هم رحم نخواهد کرد و روزی می‌رسد که با دست خود، خود را به نابودی بکشاند و بحران‌هایی که امروز گریبان‌گیر این کشورها شده است، این مسئله را به وضوح نشان می‌دهد.

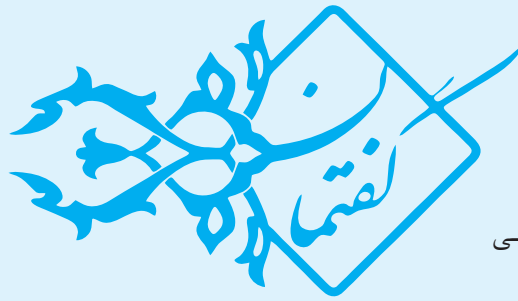
در این شرایط که ضرورت وجود دینی الهی، که مجری عدالت برای همگان باشد، بیش از پیش احساس می‌شود و درخشش دین اسلام و حقیقت محمدی، بیش از هر زمانی به چشم می‌خورد. گسترش توطئه‌های ضداسلامی که پیشینه‌ایی به قدمت بشریت دارند، جای شگفتی نه، اما جای تأمل دارد!

آیا همزمانی این توهین بی‌شرمانه، از طریق نشریه‌ای در فرانسه، و حمایت وقیحانه جنایتکاران عالم از این اقدام، درست در ایام سالروز ولادت



شناسنامه

ماهنامه عقیدتی سیاسی گفتمان



● شماره مجوز: ۹۹۸۲۱
● شماره هشتم، آذرماه ۱۳۹۹
● صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

● مدیر مسئول و سردبیر: مهدی شاهسون
● ویراستار: حسام نصری مقدم
● هیأت تحریریه:

● آقایان؛ محمدجواد هاشمیان، مهدی طالبی، ابوالفضل عباسی، رضا عاقبتی، محسن یوسفی، سجاد محنتی، سیدمحمدجواد کیش‌بافان
● خانم‌ها؛ رقیه حسین زاده، مائده عباسی، زاهده خاکساری، عفت سربوزی حسین آبادی، زینب زارعی پور، فاطمه قربانی
● طراحی و صفحه آرایی: حسین فکوریکتا، علی کیومرثی

● با ما در ارتباط باشید

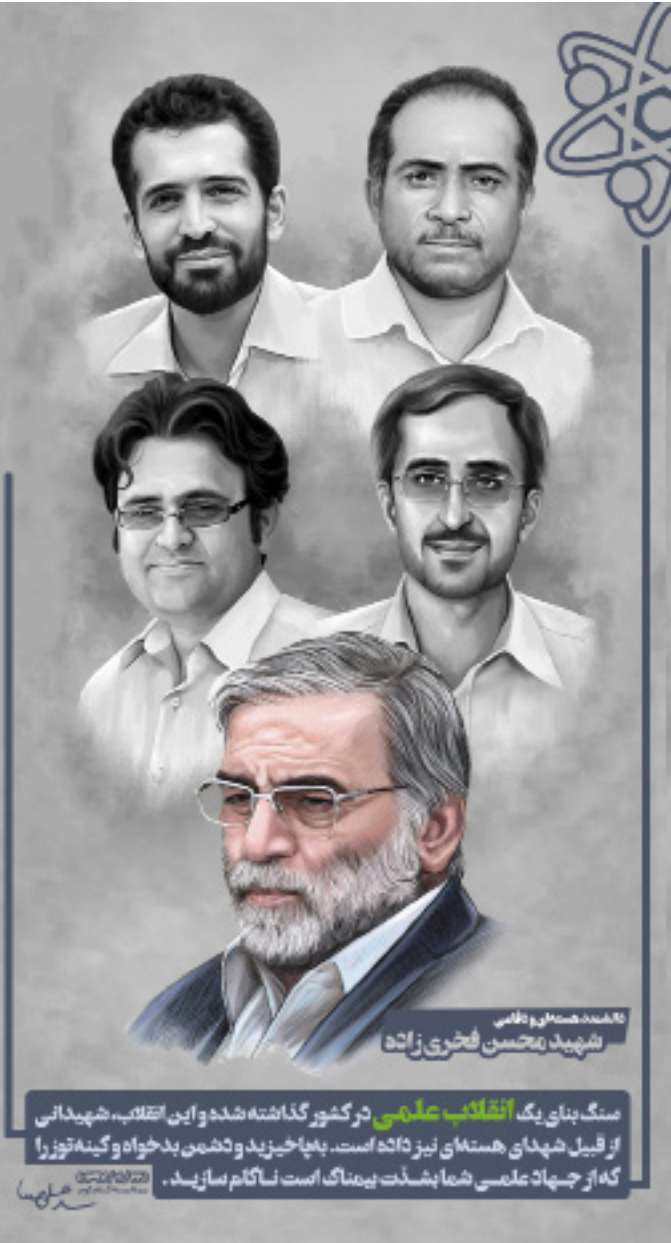
آدرس صفحه رسمی بسیج دانشگاه فردوسی:

@ basfum.ir

آدرس کانال رسمی بسیج دانشگاه فردوسی:

@ basfum

مدرک طراغی



شهیدان و دانشمندان
شهیدان یحیی فخری زاده

سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داشته است. باید خیزید و دشمن بدخواه و گینه‌توز را که از جهات علمی شما پشتات بی‌مناک است ناکام سازید.

ششما

اخبار و اعلان‌های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نخود در ریاضت حمایت مالی

نخود در خور است مجوز نشریه

نخود شیرگت در جشنواره نشریات

نخود در هیئت آرشیو نشریه

استفاده آئین نامه‌ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

سامان سامان.ac.ir

آرشیو بروز نشریات دانشجو

بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد